

نقش زنان روستایی در اقتصاد روستا

فصل اول

نقش و حیطه کار زنان
در فعالیتهای غیر زراعی

نقش و حیطة کارزنان در فعالیتهای غیر زراعی:

اقتصاد روستا، فعالیتهایی را در بر می گیرد که هر يك بر حسب گستردگی و وسعتی که دارد در ارتقاء درآمد روستائیان مؤثر می باشد. از این رو بررسی های انجام شده نشان می دهد که هر قدر امکان بهره گیری از منابع درآمد برای روستائیان متنوع تر و فراوانتر باشد سطح درآمد و رفاه آن جامعه بالاتر بوده است برای مثال روستاهای منطقه تالش به لحاظ برخورداری از امکان کشت محصولات متنوع (برنج، مرکبات، تنباکو) از درآمد نسبتاً بهتری برخوردار می باشند. یا مناطق ساحلی به لحاظ همجواری با دریا قادرند از طریق فعالیتهای توریستی یا ماهیگیری درآمد حاصل از کشاورزی خود را تکمیل نمایند. در عین حال عمده ترین فعالیتهای جانبی روستائیان که معمولاً در کنار زراعت صورت می گیرد به شرح زیر می باشد:

دامداری و پرورش طیور

دامداری و نگهداری از حیوانات بزرگ جثه در منطقه بسیار محدود بوده و تنها گاوداری در قسمت جلگه ای رواج دارد. در مناطق روستایی مورد مطالعه گاوداری عمدتاً به شکل سنتی و در جوار سایر اشتغالات کشاورزی صورت می گیرد. البته با رواج زندگی شهری و خصوصاً گسترش جاده های مواصلاتی که برای گاوهای که در سطح روستا زندگی می کردند خطرآفرین می باشد. از تعداد گاوهای منطقه کاسته شده است. گاوداری در بین خانواده های نمونه نسبتاً رواج چندانی ندارد و اکثراً تنها به داشتن يك یا دو گاو اکتفا می نمایند که این گاوها تنها قادرند لبنیات خانواده را تأمین نمایند و محصولی برای عرصه به بازار از آنها بدست می آید. در گاوداری به شکل سنتی معمولاً زن و مرد توأمان همکاری دارند لیکن برحسب نوع و وظایف سهم هر يك از آنها متغیر می باشد.

جدول (5-1) سهم زنان و مردان را در گاوداری بشکل سنتی و پرورش ماکیان نشان میدهد

سهم مردان و زنان از پرورش دام «گاو» و طیور به تفکیک فصول

نیروی کار	فصول	تعریف دام	نگهداری در آغل	دوشیدن شیر	علف چینی	پرورش طیور
زن	بهار			100		100
	تابستان			100		100
	پاییز		10	100		100
	زمستان		20	100		100
	بهار	100			100	
	تابستان	100			100	
	پاییز		90		100	
	زمستان				100	

هر يك از مراحل دامداري 100% در نظر گرفته شده كه بطور نسبي سهم زنان و مردان نسبت به اين ارقام محاسبه شده است.

همانطور كه از جدول مستفاد مي گردد اوج حجم كار مردان عمدتاً در فصول بهار و تابستان كه امر علف چيني تعليف دام مي پردازند مي باشد و در فصل پاييز كه فصل بيكاري زراعي است نگهداري حيوان در آغل را نيز بر عهده دارند اين در حاليست كه در فصل زمستان كه به آماده كردن زمين زراعي مبادرت مي ورزند بخشي از اين وظايف را به زنان محول مي كنند، ليكن دوشيدن از وظايف مختص زنان است كه در چهار فصل برحسب شيردهي جوان قابل انجام است.

از سوي ديگر همانطور كه در جدول ملاحظه مي گردد، پرورش طيور از وظايف خاص زنان مي باشد كه عمدتاً جهت تأمين تخم مرغ و گوشت سفيد خانوار بدان اقدام مي ورزند و بعضاً به فروش محصولات حاصل از آن نيز مي پردازند. جالب توجه است كه اصلي ترين گوشت مصرفي خانوار گوشت سفيد بوده و تخم مرغ از اقلام مهم تأمين كننده پروتئين خانواده مي باشد.

در سال 1375 تعداد گاو و گاوميش موجود شهرستان 112844 رأس گزارش شده است. آمار دريافتي كشتار دام، از 30466 رأس گاو و گاوميش كشتار شده شهرستان در سال 1375 مقدار 3353 تن گوشت قرمز و 649 تن پوست توليد شده است. مقدار شير توليد شده از گاو و گاوميش هاي موجود شهرستان اين سال برابر 11932/2 تن گزارش شده است. شهرستان تالش در سال 1375 داراي 467821 رأس گوسفند و بز بوده است كه با كشتار 170547 رأس از آن، مقدار 2555 تن گوشت قرمز و 170/8 تن پوست توليد شده است. (1)

منطقه تالش از دوران هاي اوليه سكونت اقوام و متأخرين داراي نظام عشيره اي و پدرسالاري بوده و به نظر مي رسد كه دام داري قبل از رواج كشاورزي با توجه به استعدادهاي اقليمي و معيشت هاي خدادادي در تالش رواج داشته و مردم ابتدا دام دار بوده و بعداً به تدريج به كشاورزي روي آورده اند.

دختران خردسال به جاي حضور در كلاس درس به مراقبت از بزها و گوسفندان هستند اكنون خواندن و نوشتن و بازي كردن محروم هستند فردا محروميتهاي ديگري در انتظار آنهاست. بعلت شرايط توپوگرافي شهرستان تالش و وجود ارتفاعات كه پوشيده از مراتع طبيعي مرغوب است بنا بر اين عده اي به زندگي کوچ نشيني روي آورده اند. وضعيت اصلي و غالب آنها پرورش دام از نوع گوسفند و بز مي باشد.

زنان در جامعه کوچ نشين علاوه بر ايفاي وظيفه همسر و مادري نقش مهمي را نيز در اقتصاد خانواده دارند گذشته از چارچوب قانوني جايگاه زن در خانواده و جامعه بعلت نقش توليدي زنان در جامعه کوچ نشين كه دوشادوش مردان چرخ زندگي را در عرصه خانواده و ميدان اجتماع به حرکت در مي آورند. زن در رتبه بارزشي در ميان خانواده قرار دارد. وي بعنوان يار و ياور مرد، در امور خانه از پخت و پز تا تهيه پنيز و ماست و كره و صنايع دستي، هيزم شكستن تا رسيدگي به دام ها همچنين امور فرزندان نقش عاطفي ويژه اي را نيز در خانواده ايفا مي كند او به عنوان همسر از ابتدائي زندگي با ناملايمات و رنج و مشكلات در کنار شوهر مسير زندگي را با جبر و تلاش مي پيمايد و فرزندان خانواده را تربيت مي كند. زن بعنوان مدير خانه داراي اختياراتي بسيار در حوزه تصميم گيري در مسايل شخصي و خانوادگي است و تا حدي كه قوانين اجتماعي، سنتي به وي اجازه اين اختيار را بدهد پيش مي رود. (2)

زنبورداری

شهرستان تالش سابقه دیرینه در پرورش زنبورعسل دارد. این شهرستان به واسطه برخورداری از آب و هوا و شرایط مناسب و میزان بارندگی مطلوب همواره پر از گونه های مختلف گیاهی است که فعالیت زنبورداری را آسان می نماید. بنابراین، استعداد خاص اقلیم جغرافیایی منطقه از نظر پوشش و تنوع گیاهی موجب شده تا تولید عسل در حد مطلوب باشد. فرهنگ، آداب و رسوم و سنت مردم تالش به گونه ای است که بین فعالیت زن و مرد در امور مختلف کشاورزی تفاوت خاصی وجود ندارد.

زنان روستایی همگام با همسرانشان در تمام طول سال به فعالیتهای متعدد کشاورزی و دامپروری از جمله در زمینه پرورش زنبور عسل مشغول هستند؛ چرا که زنان روستایی منطقه دوش به دوش مردان و در برخی موارد حتی به تنهایی در اموری از قبیل موم بافی، استحصال عسل، برداشت عسل، تغذیه مصنوعی و انتقال کندوها فعالیت دارند تعداد پرورش دهندگان زنان روستایی استان گیلان بیش از 250 نفر است به همین دلیل، استان گیلان به عنوان محل اجرا پروژه زنبور عسل با همکاری سازمان ملل خواربار کشاورزی (فائو) FAO مورد توجه قرار گرفت و انتخاب شد.

اجراء پروژه زنبور عسل با همکاری فائو پروژه زنبورداری با همکاری فائو در سال 79 با تلاش دختر امور زنان روستایی و عشایری وزارت جهاد سازندگی سابق و مدیریت ترویج و مشارکت مردمی گیلان به اجرا آمد. این پروژه شامل فعالیتهای تولید عسل به منظور ایجاد درآمد برای قشر آسیب پذیر جامعه روستایی می شود.

هدف اصلی طرح فراهم نمودن امکانات مستقیم برای روستاییان زنبوردار به منظور تولید عسل و در نتیجه افزایش درآمد خانوار روستایی است. مخاطبان این طرح، زنان روستایی هستند این پروژه سعی دارد ابزار پیشرفت در زمینه تهیه و تولید عسل را به منظور افزایش درآمد و اهمیت غذایی خانوار به طور رایگان در اختیار زنان روستایی قرار دهند.

اجرای پروژه زنبور عسل با همکاری فائو در استان گیلان با هدف افزایش و بهبود تولید عسل و فرآورده های جانبی. حمایت از زنان فقیر روستایی و یا سرپرست خانوار و کمک به ایجاد درآمد خانوار روستایی پیگیری شد. قیمت فروش هر کیلوگرم عسل حدود 12 هزار ریال می باشد. (3)

جدول (2-5) پراکندگی گروههای زنان زنبوردار استان گیلان

ردیف	نام شهرستان	مناطق روستایی	تعداد (نفر)	تعداد هر گروه (نفر)	تعداد گروهها
1	تالش	چوبر - - اسالم	18	6	3
2	ماسال	ورمپه - تبرسرا	12	6	2
3	رضوانشهر	دوران - آبریاد - سته سر	18	6	3
4	لنگرود	سیاه منه سر - مریوان	12	6	2
	جمع		60	24	10

منبع: هیماي اقتصادي استان گیلان شهرستان تالش، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان 1377.

نوغانداري:

کرم ابریشم و پرورش آن یکی از درآمدهای فرعی خانوارهای روستائیان خصوصاً نقاط جلگه ای بوده و در 76 روستا رواج دارد.

اگر چه به لحاظ بالا رفتن قیمت تخم مرغ نوغان و سایر محدودیتهای ایجاد شده تا حدودی از وقت خانواده ها به انجام اینگونه فعالیتهای کاسته شده لیکن فعالیت مذکور در ارتقاء درآمد خانوارهای بهره بردار بسیار مؤثر بوده است و هر چند که طول مدت صرف شده برای عمل آوری پیله کرم ابریشم کمتر از دو ماه می باشد لیکن در این مدت محدود قادر است درآمد زیادی را نصیب خانواده ها نماید.

فعالیت فوق الذکر نیز دارای مراحل متعددی است که در هر یک از مراحل به تناسب توانایی جنسیتها از نیروی کار زنان، مردان و کودکان استفاده می گردد.

جدول 3-5-3- مراحل متعدد عمل آوری پیله کرم ابریشم را بر حسب سهم هر یک از جنسیتها نشان می دهد.

جدول (3-5) مراحل و سهم کار زنان و مردان در پرورش کرم ابریشم

جنس	تهیه تخم نوغان	نگهداری کرم نوزاد	چیدن و آماده کردن برگ	تمیز کردن جا	برداشت	متوسط
زن	-	20	30	10	50	2/20
مرد	100	80	70	90	50	8/70

نظر به اینکه انجام مراحل فوق الذکر عمدتاً در ماههای فروردین و اردیبهشت که زمان اوج کار زنان در و وجین می باشد صورت می گیرد لذا نقش مردان عمدتاً برجسته تر از نقش زنان می شود هر چند که در این نوع اشتغال که بیشتر بصورت حاشیه ای و در کنار سایر فعالیتهای صورت می گیرد تمامی اعضای خانواده شرکت دارند لیکن مردان و فرزندان پسر نقش بیشتری را در این فرآیند بر عهده دارند.

در سال 1375 شهرستان تالش دارای 521 خانوار نوغاندار بوده است که این خانوارها با استفاده از 10 هکتار توتستان و 1216 جعبه تخم نوغان مقدار 33000 کیلوگرم پیله تر تولید نموده اند. (4)

1- سیمای اقتصادی - اجتماعی شهرستان تالش سال 1377 - تهیه کننده معاونت هماهنگی و برنامه ریزی تلفیق و تنظیم: فرشته طالش انساندوست . سازمان برنامه و بودجه.

2- شکوری، چنگیز. سیری در کوچ نشینان تالش، انتشارات آذر خزر 1382.

3- حسن زاده، ملیحه، توسکا فصلنامه آموزشی و ترویجی. شماره چهارم زمستان 80.

4- سیمای اقتصادی - اجتماعی شهرستان تالش سال 1377. تهیه کننده معاونت هماهنگی و برنامه ریزی تلفیق و تنظیم: فرشته طالش انساندوست. سازمان برنامه و بودجه.

صنایع روستایی:

اگر چه روستا و زندگی روستایی با فعالیتهای کشاورزی عجین شده و کشاورزی نقش اصلی را در فعالیتهای توسعه روستایی دارد اما در سه دهه گذشته نقش فعالیتهای اشتغالزا موسوم به فعالیتهای خارج از مزرعه به عنوان فرصتهای تکمیلی اشتغال تولید به افزایش درآمد خانوارهای روستایی مورد توجه سیاستگذاران و برنامه ریزان توسعه قرار گرفته است. (1)

انواع صناعي که در روستاها ممکن است وجود داشته باشد:

الف : صنايع دستي و سنتي

ب : صنايع تبديلي

ج : خدمات فني و صنعتي روستاها

جان هامفري دلایل حمایت از صنايع کوچک مقياس را وابسته به شرح زیر مي داند:

1- صنايع کوچک داراي منافع ملي است، چنانکه با داشتن يك بخش صنعتي کوچک توانمند، مي توان حضور متنوع کالاهاي توليدي و اشتغال کارآمد را تضمين کرد.

2- صنايع کوچک مقياس بدون حمايتهاي دولتي بوجود نخواهد آمد چرا که اين صنايع داراي محدوديتهاي از قبيل رسوخ به بازار است.

صنعتي شدن به عنوان قسمتي از راهبرد و توسعه همه جانبه روستايي در تحقق مهمترين اهداف توسعه روستايي نقش بسزايي داشته است.

در يك جمع بندي کلي از مطالعات صورت گرفته پنج اثر عمده صنعتي شدن و روستا را مي توان اينگونه ذکر کرد:

الف : ايجاد اشتغال، افزايش درآمد، ثبات شغلي و درآمد

ب : کاهش مهاجرتهاي روستايي

ج : کاهش نابرابري هاي منطقه اي با استفاده از منابع محلي و رونق کشاورزي

د: افزايش رفاه روستايي (مسکن، بهداشت، پس انداز) تغيير الگوي مصرف مواد غذايي و کالاهاي مصرفي با دوام ، افزايش آگاهي ها و رونق آموزشي

هـ : گسترش صادرات

با توجه به مطالب ذکر شده بايد اذعان داشت که در شهرستان تالش از انواع صنايع روستايي فقط صنايع دستي سنتي و صنايع تبديلي آنهم بصورت محدود وجود دارد که در صنايع تبديلي معمولاً زنان نقش خاصي ندارند.

صنايع تبديلي - صنايع دستي:

صنايع تبديلي در کليه بخشهاي صنعت وجود دارد که تعريفهاي گوناگوني براي آن ارائه شده است. در بخش کشاورزي. صنايع تبديلي به صناعي گفته مي شود که ارتباط مستقيم و تنگاتنگ با

زیربخشهاي مختلف بخش کشاورزي داشته باشد. در واقع اين صنايع با تکميل فرآيند توليد مواد کشاورزي و آماده سازي اين محصولات، براي عرضه به بازار فروش و مصرف نقش ايفا مي

کند. اين صنايع به تکنولوژي ساده و ماشين آلات سبكي نياز دارد که به آساني مي توان آنها را در مناطق روستايي ايجاد کرد. مواد اوليه اين صنعت در روستاها به سهولت آماده است بخش سنتي

کشاورزي زماني به رشد و توسعه واقعي مي رسد که همزمان با رشد تکنولوژي در ديگر بخشهاي اقتصادي، از تکنولوژي در ديگر بخشهاي اقتصادي، از تکنولوژي نو بهره بگيرد. (1)

بهترين صنايع تبديلي محصولات کشاورزي شهرستان تالش کارخانه برنجکوبي است. در سال 1375 اين شهرستان 83 کارخانه برنجکوبي داشته که به تبديل شلتوک برنج به دانه برنج مشغول

بوده اند. متأسفانه بجز اين صنعت تبديلي صنعت ديگري وجود ندارد و اين حرفه نيز تا به اين زمان صرفاً به مردان اختصاص داشته است و زنان در آن نقشي نداشته اند و مشکلات اين

بخش را مي توان به دلایل زیر شرح داد:

- کمبود نقدینگی براي توليدکنندگان

- عدم انگیزه سرمايه گذاري براي سرمايه گذاران در مناطق روستايي به دليل نداشتن امکانات مناسب و بازارسازي

- نبود خلاقیت در بسته بندیهای محصولات مختلف بویژه برای صادرات

- عدم تنوع در تکنولوژی تولید و استفاده از ماشین آلات قدیمی

- کمبود آموزشهای فنی و حرفه ای در مدارس

با توجه به مطالب ذکر شده می توان نتیجه گرفت که صنایع تبدیلی مواد غذایی، عامل مهمی در توسعه و گسترش کشاورزی و کشوری است به طوری که اگر در بعضی از محصولات شیوه های صحیح تبدیل و انبارداری مواد غذایی به کار گرفته شود، کشور از لحاظ تأمین این محصولات بی نیاز خواهد شد. با توجه به این عناوین و اهمیت فعالیت زنان در این زمینه موارد چندی برای تحقق اهداف توسعه صنایع تبدیلی و اشتغال زایی مؤثر زنان روستایی پیشنهاد می شود که با عملکرد و اجرای آنها زنان روستاهای تالش نیز می توانند در زمینه این صنعت به فعالیت پردازند.

الف) تسهیلات و حمایتهای دولت از زنان بخصوص زنان روستایی بیشتر شود تا آنها بتوانند از منابع اعتباری و تسهیلات بانکی به راحتی استفاده کنند.

ب) الگوهای برای مصرف بهینه محصولات کشاورزی و فرآوری و تولید فرآورده های سالم و مغذی خانگی توسط مروجان و کارشناسان زن برای خانوارهای شهری و روستایی ترسیم و به آنها آموزش شود.

ج) از فارغ التحصیلان زن دانشگاهها در رشته های کشاورزی به عنوان سرمایه های علمی و فنی مورد نیاز بخش کشاورزی برای تولید بهتر و مرغوبتر و راه اندازی صنایع تبدیلی و همچنین برای نظارت و مشاهده استفاده شود.

د) ایجاد روحیه تعاون و همکاری در بانوان و قدرتمندکردن سرمایه های جزئی در قالب تعاونی.

تولید صنایع دستی از جمله فعالیتهایی است که عمده ای از زنان را بخود مشغول نموده است. صنایع دستی انواع گوناگون محصولات را شامل می گردد از جمله این فعالیتها می توان حصیربافی - تولید وسایل چوبی، بافت قالی و قالیچه و بافندگی را نام برد که برخی از آنها مانند قالیبافی از فعالیتهای کاملاً زنان محسوب می گردد و برخی دیگر مانند ساخت وسایل چوبی جهت عرضه به بازار و حصیربافی از فعالیتهایی است که مردان نیز بدان اقدام می نمایند.

شکی نیست که صنایع دستی با سنتها و آداب و رسوم جامعه و تفکر و بینش هنرمندان و سازندگان و نیز محیط جغرافیایی و طبیعی رابطه مستقیم و بسیار نزدیک دارد. و به همین جهت از صنایع ماشینی متمایز می باشد.

در سال 1375 تعداد 1754 واحد صنایع دستی در شهرستان تالش فعال بوده است این واحدها توانستند 2548 نفر را به فعالیت مشغول نمایند. انواع صنایع مورد نظر عبارتند از قالی بافی، گلیم بافی تولیدات دست بافت پشمی و سفالسازی، گلیم بافی با بیشترین تعداد، 53/8 درصد شاغلان و سفالسازی با تعداد 4 واحد یک درصد شاغلان صنعت دستی این شهرستان را به خود اختصاص داده اند در کل 16 درصد کل شاغلان صنایع دستی استان در این شهرستان فعالیت دارند.

در تالش بعد از انقلاب تولید گلیم به لحاظ مهاجرت برخی بافندگان از نواحی اردبیل و خلخال و تنگناهای ناشی از فرصت های شغلی نضج گرفته و حدود 400 دستگاه بافندگی در دهستانهای اسالم و حومه شهرستان تالش وجود دارد که سالیانه بیش از 10/000 مترمربع گلیم به بهای حدوداً 560 میلیون ریال تولید می نماید.

این فعالیتها معمولاً مختص بانوان شهرستان تالش می باشد که در زمانی که از کار کشاورزی فارغ می شوند به کارهای دیگر روی می آورند. همچنین در این شهرستان ساختن تنورهایی سفالی نیز بر عهده زنان روستا می باشد.

1- مرادی ، آزاده . مقاله اشتغالزایی زنان روستایی در زمینه صنایع تبدیلی، هدی، نشریه آموزشی ترویجی ، ویژه مروجان زن روستایی.

فصل دوم

ویژگیهای اجتماعی - اقتصادی فعالیت‌های
زنان روستایی منطقه

2- ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی فعالیتهای زنان روستایی منطقه:
1-2- تفاوت‌های جنسی در نحوه بهره‌گیری از سواد و تأثیر آن بر اقتصاد روستایی منطقه:

همانطور که پیش از این نیز اشاره شد از اهرم‌های مهمی که جهت ارتقاء آگاهی و کیفیت کار زنان مورد نیاز است تحصیل می‌باشد. بالا بودن سطح تحصیل در جامعه‌ای که خصوصاً در بین زنان نه تنها آنها را قادر به بهره‌گیری از مهارت‌های جدید و بهبود کیفیت کار می‌کند بلکه این امر خود به خود سبب محدودیت تعداد فرزندان شده و همچنین فرزندان سالم و آگاه در دامان چنین مادرانی پرورش خواهند یافت.

البته باید توجه داشت که گسترش آموزش و پرورش درس دختران و زنان روستایی ممکن است موجب کاهش مشارکت آنان در فعالیتهای سنتی گردد لیکن در عین حال می‌تواند زمینه را برای فراگیری فنون و مهارت‌های نوین فراهم ساخته و آنان را با شرایط توسعه روستایی همراه سازد.

گسترش امکانات امکانات تحصیلی برای دختران روستایی در سال‌های اخیر تا حدی توانسته فاصله سواد بین جنس‌های مذکر و مؤنث را در روستاها کاهش دهد. این در حالیست که گسترش تحصیلات بین مردان ممکن است سبب بالارفتن نرخ مهاجرت آنان از روستا به شهر گردد لیکن برای دختران تنها سبب بالارفتن نرخ بیکاری خواهد شد چرا که همپای گسترش امکانات آموزشی اشتغال‌ها متناسب با آموزش‌های داده شده بوجود نیامده است. و از آنجائیکه دختران از توان تحرک فیزیکی کمتری برخوردار می‌باشند، قادر به یافتن شغلی مناسب برای خویش نخواهند بود.

بنابراین اطلاعات مربوط به سطوح تحصیلات جمعیت نمونه ما را در تشریح برخی از تفاوت‌های جنسیتی در ساختار شغلی یاری خواهد نمود. بر این اساس جدول (4-5) تهیه شده است که سطح تحصیلات در میان جمعیت نمونه را نشان می‌دهد.

همچنین در اکثر نواحی توسعه یافته فاصله سواد بین دو جنس در سنین پایین رو به کاهش می‌رود. خصوصاً در سطوح دبستان در قریب به اتفاق روستاهای مورد مطالعه امکانات آموزشی برای دختران و پسران بطور برابر موجود است. چنین شرایطی این امیدواری را می‌دهد که در آینده بهبود دسترسی به تحصیل سبب افزایش فرصت‌های اشتغال برای زنان روستایی گردد. همانطور که در جدول (4-5) ملاحظه می‌گردد. در گروه سنی دبستان حتی تعداد و نسبت آنان بیش از جمعیت ذکور می‌باشد بطوریکه 51 درصد باسوادان در سطح تحصیلی ابتدایی را زنان تشکیل می‌دهند و دلیل این امر را عمدتاً در کاهش تعداد تحصیل‌کردگان زن در سطوح بالاتر نسبت به مردان می‌توان قلمداد نمود در سطوح بعد از ابتدایی و از سطح راهنمایی می‌توان این سیر نزولی و افزایش تفاوت بین باسوادان مذکر و مؤنث را مشاهده نمود. لذا در این مقطع در برابر 126 باسواد مرد 86 باسواد زن یعنی تنها (40/6) درصد وجود دارد. علاوه بر این 23 درصد باسواران زن نیز در این سطح سواد قرار دارند و به عبارتی 55 درصد زنان با سواد کمتر از سطح دبیرستان سواد دارند و در عین حال 32/6 درصد آنان نیز بی‌سواد می‌باشند.

شاید دسترسی تحصیل برای زنان، محدوده‌ای باشد که آنان در سال‌های اخیر بیشترین نفع را از آن برده‌اند جدول مذکور نشان می‌دهد که هنوز تفاوت بسیاری بین انانث و ذکور در این منطقه وجود دارد. علاوه بر اینها سقوط نرخ باسوادان در مقطع نظری و دیپلم به بعد برای هر دو جنس زیاد است و نسبت . آنانی که دبیرستان را پشت سر گذاشته‌اند و یا تا آن سطح پیش رفته‌اند تنها 10/2 درصد است.

علیرغم اهميتي که کسب سواد و تحصيلات در آگاهي بخشیدن و اعطاء اعتبار اجتماعي و بالطبع آن مشارکت در تصميم گيریها براي زنان دارد، آنها عمدتاً تحصيلات را به عنوان وسيله اي جهت دستيابي به شغلي مناسب مي نگرند تا به عنوان ابزاري براي ايفاي نقش اجتماعي. بدین ترتيب اگر چه گسترش سواد در بين زنان روستايي در آگاهي بخشیدن و ارتقاء توان اجتماعي آنان مناسب در بهره گيري از توانهاي ايجاد شده و عدم امکان اعطاء نقش هاي متناسب با قابليتهاي موجود مشکلات فردي و اجتماعي آنان دوچندان مي گردد لذا به موازات سرمايه گذاري در جهت ايجاد امکانات دسترسي برابر به آموزش براي دختران خصوصاً در سطوح تحصيلي بالاتر لازم است برنامه هايي در جهت بهره گيري از تواناييهاي بالقوه آنان طرح ريزي گردد.

جدول (4-5)

کل	درصد به جمعیت گروه سني مشابه درصد نسبت به گروه جنسي درصد نسبت به کل جمعیت		سطوح تحصيلي
	زن	مرد	
210	122	88	بيسواد
	1/58	9/41	
6/27	6/32	7/22	
	0/16	6/11	
243	124	119	دبستان
9/31	0/51	0/49	
	2/33	7/30	
	3/16	6/15	
212	86	126	
9/27	6/40	4/59	راهنمايي
9/27	0/23	6/32	
	3/11	6/16	
82	38	44	
8/10	3/46	7/53	نظري و ديپلم
	0/5	8/5	
6	1	5	
8/0	7/16	3/83	فوق ديپلم
	3/0	3/1	
	1/0	7/0	
8	3	5	ليسانس و بالاتر
	5/37	5/62	
1/1	8/0	3/1	
	4/0	7/0	
761	374	387	

100	1/49	9/50	جمع
-----	------	------	-----

2-2- کم و کیف درگیری زنان در انواع فعالیتهای

جهت روشن شدن نحوه مشارکت زنان در نیروی کار و چگونگی توزیع کار آنان طی فصول مختلف سال و همچنین درگیری آنان در امور خانه داری درج سوالات خاصی ضروری بود که طی آن ضمن تفکیک هر یک از وظایف روزانه چگونگی مشارکت زوجین (زن و مرد) در انجام هر یک از این فعالیتهای مورد پرسش قرار گرفت. بنابراین لازم بود که ساعتهای معمولی که به کارهای روزمره پرداخته می شود ساعتهای واقعی با موثر که در فعالیت تولید زراعی صرف می گردد و تفکیک شود. لذا اگر در روز مورد مصاحبه فرد مورد سؤال به دلایلی کار نمی کرده متوسط ساعتهای معمولی در کار در هفته پرسیده می شد، و همچنین برای جلوگیری از تأثیرات فصلی و قراردادن زمان مصاحبه در بازگرددن نحوه و میزان کار از سوی پاسخگو، یک دوره دوازده ماهه شامل چهار فصل که به طور عادی مردان و زنان در طی یکسال به کار می پرداختند مبنای پرسش قرار گرفته است. جدول (5-5)

داده های گردآوری شده از منطقه مورد مطالعه نشان می دهد که کار در مزرعه برای زنان به عنوان مکمل خانه داری و بلکه انجام امور اقتصاد مختلط با کارهای روزمره خانه است و لذا تفکیک آنها برای پاسخگویان دشوار می باشد. چرا که زنان ضمن رسیدگی به امورات روزمره منزل در زمان فراغت از آن به فعالیتهای اقتصادی جانبی مانند رسیدگی به مرغان خانگی و یا باغچه سبزیجات و یا انجام امور مربوط به مزرعه خانوادگی می پردازند. لذا همانطور که در جدول (5-5) ملاحظه می گردد ساعات روزانه درگیر در کار زنان بسیار طولانی تر از ساعات کار روزانه مردان گزارش شده است. این درحالیست که اوقات فراغت آن نیز کوتاهتر می باشد. این امر نشان می دهد که زنان غالباً اولین عضو خانواده هستند که صبحها بر می خیزند و کار را شروع می نمایند و آخرین عضوی هستند که برای استراحت به بستر می رود. قابل ذکر است که ساعات صرف شده برای هر یک از امور روزانه خانه و یا کار در مزرعه و ... بر حسب سن و تعداد فرزندان و خصوصاً سن و

جدول (5-5) نحوه توزیع ساعات کارهای خانگی و اقتصادی در يك شبانه روز به تفکیک مرد و زن

ساعات صرف شده برای مردان			جمع	تعداد شمارش	کل ساعات صرف شده برای زنان	انواع فعالیت
جمع	تعداد شمارش	مجموع ساعات صرف شده				
95/2	346	8/221	5/9	691	8/979	کل مدت فعالیتهای خانه داری
16/0	11	80/1	5/0	11	20/8	جمع آوری و ذخیره آب
15/1	57	50/65	21/0	57	80/11	جمع آوری سوخت
-	-	-	1	114	166	شستشو و تمیز کردن وسایل منزل
-	-	-	1	112	30/155	شستشوی البسه
48/1	98	50/145	1	98	50/113	تهیه مواد غذایی و پوشاک
-	-	-	5/1	113	211	پخت غذا
1/0	69	12	5/1	69	50/118	شستشو و مراقبت از فرزندان
-	-	-	5/0	6	10	مراقبت از بیماران در منزل
06/0	111	7	5/1	11	50/185	نظافت منزل
07/10	190	1049	54/8	190	3/692	کل مدت فعالیتهای تولیدی
77/8	113	991	11/5	113	50/577	فعالیت اقتصادی اصلی و فرعی
50/0	23	13	1	23	5/51	تولید صنایع دستی
8/0	54	45	5/0	54	30/62	نگهداری و مرمت منزل
40/3	105	357	5/1	105	5/157	اوقات فراغت

جنس آنها نوسان می یابد برای مثال وجود دختران جوان در خانه کمک بزرگی برای مادر در انجام امور جاری روزانه می باشد و فرصت بیشتری برای آنان جهت حضور در مزرعه فراهم می سازد.

بدین ترتیب ساعات کار روزانه زنان 18 ساعت در برابر 13 ساعت کار مردان گزارش شده است. این درحالیست که اوقات فراغت مردان نیز بیش از دوبرابر وقت آزاد زنان می باشند (3/4 در برابر 1/5) ، لذا ملاحظه می گردد که زنان در حال حاضر با فشار کاری بسیار می باشند و از عمده ترین دلایل کناره گیری آنان از فعالیتهای اقتصادی در زمان بهبود شرایط اقتصادی خانوار همین مسأله است. لذا در هر گونه برنامه ریزی که با هدف بهبود شرایط کار و زندگی زنان طرح ریزی می گردد در نظر گرفتن این مسأله ضروری می باشد. در مناطق روستایی زنان معمولاً یک وظیفه دوگانه بلکه سه گانه را بر عهده دارند، آنها همچنانکه مسئولیت انجام امور منزل، نگهداری کودکان و تولید مواد غذایی معیشتی را بر عهده دارند، آنها همچنانکه مسئولیت انجام امور منزل، نگهداری کودکان و تولید مواد غذایی معیشتی را بر عهده دارند در عین حال در اشتغالات نقدی نیز مشارکت دارند. تقریباً در همه جا زنان نسبت به مردان ساعات بیشتری کار می کنند.

بررسی جدول فوق الذکر ما را به این واقعیت رهنمون می سازد که در درون خانواده تقسیم کاری پایدار و قوی حاکم است. چنین تقسیم کاری در طی تاریخ طولانی و پرمایه مقتضیات اجتماعی جامعه شکل گرفته که عوامل پیرامونی بندرت قادر به تغییر و دگرگونی آن است. و تنها به برخی از جنبه های اشتغال زنان تأثیر می گذارد، می باشد. بر طبق چنین تقسیمی کاری در طی تاریخ طولانی و بر پایه مقتضیات اجتماعی جامعه شکل گرفته که عوامل پیرامونی بندرت قادر به تغییر و دگرگونی آن است و تنها به برخی از جنبه های اشتغال زنان تأثیر می گذارد، می باشد. بر طبق چنین تقسیم کاری در طی تاریخ طولانی و بر پایه مقتضیات اجتماعی جامعه شکل گرفته که عوامل پیرامونی بندرت قادر به تغییر و دگرگونی آن است و تنها به برخی از جنبه های اشتغال زنان تأثیر گذار می باشد. بر طبق چنین تقسیم کاری امور مربوط به خانه داری و تربیت کودکان بطور اصلی جزو وظایف قطعی زنان محسوب می گردد و مردان نقش بسیار ضعیفی در انجام اینگونه امور ایفا می نمایند، این در حالیست که نقش مردان در این زمینه نیز عمدتاً به اموراتی که به نحوی خارج از منزل مربوط می گردد محدود می شود لیکن در مقابل زنان فعالیت مردان در امور اقتصادی و تولیدی بیش از زنان گزارش شده است. چنین توزیعی بیانگر چندبعدی بودن وظیفه زنان در مقابل اشتغال مردان در یک فعالیت اقتصادی اصلی است. بنابراین در هر گونه برنامه ریزی توجه به این نکته که زنان واحد می بایست فعالیتهای متنوع و متعددی را انجام دهند و وقت آزاد کمتری دارند را می بایست مورد توجه و دقت نظر قرار داد. کم و کیف درگیری زنان در انواع فعالیتهای اقتصادی و غیر اقتصادی تابعی از خصوصیات اجتماعی اقتصادی و محیطی به گونه ای که افرادی با ویژگیهای مختلف عکس العملی متفاوت نسبت به شرایط از خود بروز می دهند و لذا مقدار ساعات صرف شده در هر یک از وظایف فوق تحت تأثیر عوامل متعدد از جمله سواد و سن زنان قرار دارد.

جهت دستیابی به تحلیلی در مورد تأثیر سطوح تحصیلی زنان بر میزان وقت صرف شده در هر یک از فعالیتهای مورد نظر بر اساس داده های بدست آمده از پژوهش میدانی (جدول 6/5) تنظیم شده است.

چنین تأثیری از طریق سن نیز قابل تفسیر می باشد که اطلاعات آن در جدول (5-7) درج گردیده است. همانطور که اشاره گردید یکی از عوامل مهم مؤثر بر نحوه و میزان کار زنان

روستایی سطح تحصیلات و سواد آنان می باشد. از آنجائیکه اشتغال در روستاها عمدتاً به صورت غیررسمی و کار مزارع می باشد لذا همانطور که از جدول استنباط می گردد با افزایش سطح سواد از میزان اشتغال تولیدی و اقتصادی یا به عبارتی کار زراعی کاسته می گردد، این درحالیست که ساعاتی را که صرف امور خانه داری می نمایند افزایش یافته است. عمده ترین دلیل این افزایش ساعات کار خانه داری را می توان در وجود فرزندان خردسال در اینگونه خانواده ها دانست چرا که غالباً افرادی با سطح سواد بالاتر سن کمتری نیز داشته و خانواده های جوان را تشکیل می دهند از اینرو ساعات فراغت کمتری را نیز گزارش کرده اند در حالیکه زنان بیسواد با سطح سواد ابتدایی عمدتاً دارای سنین بالاتر بوده که قاعدتاً وقت آزادشان نیز اندکی بیشتر می باشد. (5-16)

طبق این جدول (5-7) نحوه توزیع ساعات کار زنان خانواده را برحسب سن آنان نشان می دهد همانطور که ملاحظه می گردد در گروههای سنی پایین تر ساعاتی که صرف رسیدگی به امور خانه می گردد طولانی تر است. همانطور که قبلاً نیز گفته شد علت آنرا در کوچک بودن فرزندان خانواده که نه تنها قادر به کاستن بار کاری مادر نیستند بلکه خود مراقبت بیشتری را می طلبند می توان دانست، تنها در گروه سنی بالاتر از 65 سال حکم نقض می گردد که آن نیز به دلیل کهنسال بودن این زنان و کاهش توانایی کارشان است که خود بخود برای انجام کاری مشابه نیاز به صرف وقت بیشتری دارند. در رابطه با فعالیتهای اقتصادی، اندکی نوسان دیده می شود بطوریکه زنان کمتر از 25 سال به دلیل اینکه عمدتاً تازه تشکیل خانواده داده و مشغله کمتری دارند وقت بیشتر را در این امور صرف می نمایند در حالیکه در گروههای سنی بعدی در این زمینه شاهد افت ساعات کار می باشیم بعد از آن در گروه سنی 55-46 مقدار وقت صرف شده در این فعالیت به حداکثر رسیده و سپس به دلیل کاهش توان کاری و وجود فرزندان بزرگسال به عنوان نیروهای کمکی مجدداً ساعات کار مادران سیر نزولی می یابد.

بررسی جدول (5-8) توزیع فصلی کار، نشان می دهد که بیشترین درگیری زنان در امور زراعت در فصول بهار و تابستان می باشد که مراحل کاشت محصول انجام می شود و مرحله داشت و برداشت عمدتاً بر عهده مردان است. بنابراین اهمیتی که این مرحله از کار کشت و زرع داشته تعیین کننده کیفیت و کمیت محصول است. لذا نقش کاری زنان برجسته تر می باشد با عنایت به اینکه اغلب روزهای کار مردان زمانی است که آنها صرف نظارت و آبیاری و به عبارتی داشت محصول می نمایند. همچنین این اوقات زمانی را که آنها صرف تهیه و پخش کود و سم می نمایند و یا اوقاتی را که در پی اجیر کردن کارگر صرف نموده و بر کار وی نظارت دارند نیز شامل می گردد، حال آنکه وقت گزارش شده زنان عمدتاً روزهایی را در بر می گیرد که آنها مستقیماً در زمینه زراعی خانواده

جدول (5-8): توزیع روزهای کار زنان برحسب فصول و انواع محصولات مورد کشت

انواع کشت و زرع و فصول مختلف	زنان			مردان		
	مجموع روزهای کار	تعداد شمارش	متوسط روزهای کار برای هر فرد	مجموع روزهای کار	تعداد شمارش	متوسط روزهای کار برای هر فرد
برنج	-	-	2/89	-	-	6/131
بهار	5956	126	27/47	6209	119	2/52
تابستان	2943	121	32/24	5364	116	24/46
پاییز	506	46	11	954	60	9/15

3/17	21	364	57/6	7	46	زمستان
5/175	-	-	198	-	-	تنباکو
75/65	4	263	68	5	340	بهار
58	5	290	74	5	370	تابستان
75/21	4	87	26	5	130	پاییز
30	1	30	30	1	30	زمستان
127	-	-	6/93	-	-	حبوبات
75/48	4	195	5/37	6	225	بهار
37	5	185	17/29	6	175	تابستان
67/27	3	83	6/14	5	73	پاییز
5/13	2	27	33/12	3	37	زمستان
74	-	-	6/68	-	-	سبزیجات
88/26	17	457	2/23	25	580	بهار
9/20	11	230	178	23	409	تابستان
12	9	108	9/13	17	236	پاییز
29/14	7	100	7/13	7	96	زمستان
120	-	-	116	-	-	سایر
7/26	4	107	25/22	4	89	بهار
23	4	92	67/28	3	86	تابستان
20	1	20	20	1	20	پاییز
50	1	50	45	1	45	زمستان

و یا در زمین دیگران بطور یابوری کار کرده و یا به عرضه نیروی کار خویش در قبال دستمزد در سایر اراضی زراعی می پردازند.

بدین ترتیب در هر گونه برنامه ریزی که با هدف بکارگیری از توان فیزیکی و دقت زنان روستایی طرح ریزی می گردد توجه به اوقات پرکاری و کم کاری زنان در طی سال حائز اهمیت می باشد، چرا که تدوین برنامه ای که در وقت زراعی، آنان را از انجام امور کشاورزی باز دارد با شکست روبرو خواهد شد.

2-3- منزلت اجتماعی و اشتغال زنان

جهت شناخت بهتر عوامل محیطی تأثیرگذار بر اشتغال زنان روستایی منطقه، علاوه بر گردآوری اطلاعات در مورد وظایف تخصصی، شناسایی تفکرانی که در خانواده و یا در سطح جامعه درباره فعالیت‌هایی که برای زنان یا مردان مناسب است و میزان و منزلتی که آنها در انجام این وظایف بدست می آورند مفید است، بعضی از وظایف با توجه به سطح تکنولوژی بکار رفته و نظارت مستقیم بر کار، دارای منزلت بدون کم و کاست است.

اینکه کار در خانواده باشد یا در مزرعه یا برای دیگران با مزد یا بدون مزد بر منزلت زنان تأثیر می گذارد. کاری که توسط کودکان و گروه‌هایی کم درآمد انجام می شود خواه ناخواه کم منزلت بشمار می رود. از سوی دیگر میزان مشارکت زنان در خرید و فروش و تجارت می تواند سبب ارتقاء آگاهی آنان شده و پل ارتباط اطلاعاتی بین شهر و روستا باشند.

در رابطه با جایگاه اشتغال زنان در جامع دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. امین زاده در کتاب جمعیت‌شناسی کار وضعیت کاری زنان را اینچنین بیان نموده است. «با توجه به اینکه خانواده

اساس و پایه هر جامعه است، کار زن در منزل بی اجرت و از نظر اجتماعی فاقد ارزش پولی است. زن در خانواده تولید کننده ای است که تابع ارداده شوهر است و تحت انقیاد برای استثمار اقتصادی هر چند که فعالیت او غیر مولد تلقی می شود، این چنین برداشت ناشی از اندیشه اقتصاددانان و آمارشناسان بوده که مشارکت زن را بدون مزد محسوب می دارند و درآمد ملی منظور نمی کنند و در نتیجه در زمره جمعیت فعال مجاب نمی آیند» (1)

معدالک طبق برآوردهایی که به عمل آمده است، کار نامرئی زن خانه دار حدود 25 تا 40 درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل میدهد، در صورتیکه زنان خانه دار جزء جمعیت فعال در نظر گرفته شوند و خدمات آنان در هزینه خدمات جامعه به حساب آید، بدون شک دگرگونی عمده ای در جهت یابی برنامه های مختلف سیاست اجتماعی بوجود خواهد آمد. این درحالیست که گروهی دیگر بر یکپارچگی کار زن و مرد تأکید داشته و کار زنان کار مردان، سامان دهنده بنیان اقتصادی - اجتماعی نهاد خانواده می دانند.

در مجموع فعالیتهای «زنانه» یا به عبارت دیگر کارهای خاص زنان ناشی از تخصص محدود زنان و واگذاری بعضی مشاغل به اصطلاح «زنانه» برای آنان بیشتر ناشی از نارسایی تخصصی و مهارت آنان و یا بر اثر تخصصها و مهارتهای ناهماهنگ آنان است که عمدتاً با نیازهای بازار کار مطابقت ندارد. لذا از نظر سلسله مراتب شغلی در اثر چنین حالتی در پایین ترین رده های شغلی قرار می گیرند، بطوریکه انجام اینگونه کارها توسط مردان موجب خفت و خواری آنان خواهد گشت.

با توجه به جدول شماره (5-9) ملاحظه می گردد که پاسخگویان کشاورزی را دارای پایین ترین منزلت و ارزش بیان نموده اند این دیدگاه برخاسته از وضع نامطلوب اقتصاد کشاورزی و ریسک پذیری آن است لذا نظر به سخت بودن شرایط کاری و نوسانات فراوان در منابع حاصل از فعالیتهای کشاورزی که منجر به استهلاک جسمی زنان روستایی می گردد بیش از 25% پاسخگویان از بین اشتغالات رایج روستایی کشاورزی را شغلی نامناسب و پرزحمت بیان نموده اند.

بدین ترتیب آنها هیچگونه تمایلی به اینکه دخترانشان نیز همانند خویش به کشاورزی بپردازند نداشته و تلاش آنان در جهت تحصیل دختران بدین منظور است که آنها بر خروج از سیکل کار پر رنج کشاورزی و فقر توانا گردند. از سوی دیگر بیش از 10% از پاسخگویان معتقد بودند که کار برای دیگران فاقد منزلت و ارزش اجتماعی است. این نگرش ناشی از این باور است که آنها کار برای دیگران را تنها در قالب کارهای کشاورزی و کارگری می انگارند و لذا معتقدند که تنها افراد فقیر به اینگونه کارها تن در می دهند.

علاوه بر این قریب به 4% پاسخگویان نیز پرورش طیور را نیز به لحاظ تلفات زیاد و زحمت کم حاصل، فاقد ارزش اجتماعی و اقتصادی بیان کرده اند.

جدول 5-9- اشتغالات دارای پایین ترین منزلت و ارزش از نظر پاسخگویان

انواع فعالیتهای	تعداد	درصد
کشاورزی	33	2/25
دامداری و پرورش طیور	5	8/3
صنایع دستی	0	-
کار در کارگاه و کارخانه	0	-
کارگری برای دیگران	14	7/10
اشتغال اداری	0	0

هیچکدام	79	3/60
جمع	131	-

1- امین زاده ، فرخ. جمعیت شناسی کار، جلد دوم. انتشارات دانشگاه ملی ایران، 1358 ، ص 127.

جدول (5-10) به گونه ای دیگر تمایلات زنان را مورد پرسش و نظر خواهی قرار داده است بر طبق جدول مشاهده می گردد که بیش از 66% پاسخگویان اظهار داشته اند که مایلند در زمین مزرعه خانواده کار کنند. این احساس ناشی از حس تعلق به خویش و استقلالی است که در چنین شرایطی دارند. در جامعه مورد مطالعه ما نیز 16 درصد از پاسخگویان کار در قبال دریافت دستمزد را ترجیح می داده اند لیکن منظور از این نوع کار عمدتاً فعالیتهای مزدی دیگر غیر از کارهای زراعی نیز بوده است.

نکته قابل توجه این است که 9/2 درصد پاسخگویان نیز هیچکدام از موارد کاری مذکور را ترجیح نمی داده اند و اصولاً برخی به دلیل کهولت سن و یا برخی دیگر به دلیل عدم نیاز اقتصادی مایل به انجام هیچگونه کاری نبوده اند باید توجه داشت که رفتار و پیش داوری های اجتماعی - فرهنگی عوامل آموزش و فرهنگ را در جامعه ها به حرکت در می آورند و نظام ارزشها از نظر اجتماعی و سنتی انتقال آنها را به افراد تشویق می نماید و خود این امر در شرایط کنونی تقسیم وظایف و نقش را از نظر زن و مرد در کلیه مراحل زندگی گروههای انسانی توجیه می کند. نفوذ مستمر و مداوم اینگونه طرز تفکر و اندیشه ها آنچنان افراد را تحت تأثیر قرار می دهد تا خود را با الگوهای زنان و مردان تطبیق دهند. بدین ترتیب در فرآیند «اجتماعی شدن» یا به عبارت دیگر در شرایطی که کودک به یک فرد اجتماعی تبدیل می شود تا وظایف محوله را «طبق انتظار» یا مطابق توقعات جامعه انجام دهد، انگیزه های لازم بوجود می آید.

جدول (5-10) شکل مرجح کار از نظر زنان روستایی

اشکال مختلف کار	تعداد	درصد
کار در مزرعه خانوادگی	87	4/66
کار در مقابل دستمزد	21	16
کار در قبال کاریاوری	8	1/69
هیچکدام	12	2/9
بدون پاسخ	3	3/2

2-4- جایگاه اشتغال زنان و درآمد خانوار در منطقه:

یک جهت گیری مهم موقعیت زنان، فعالیتهای اقتصادی و دسترسی به درآمد است. در اکثر جوامع روستایی جهان سوم، نیروی کار و درآمد زنان از طریق جامعه کنترل می شود این کنترل عمدتاً توسط مرد ارشد خانواده که پدر یا شوهر می باشد صورت می گیرد.

بهر حال درآمد زنان موقعیت اجتماعی او را حداقل در درون خانوار بهبود بخشیده و بطور بالقوه در وی در تصمیمات خانوادگی و قدرت نسبی در خانواده نقش بیشتر اعطاء می نماید. زنان روستایی منطقه بطور سنتی در تولیدات اقتصادی خانوار توسط عرضه نیروی کار خویش مشارکت داشته اند. چنین فرصتهای اشتغال برای آنان و دریافت درآمد ارزش آنان را در سازمان خانوار بهبود بخشیده هر چند که شرایط و جو کلی بصورت مردسالاری همچنان باقی مانده است. در اکثر کشورهای جهان در شرایط بحرانی دوره های اقتصادی، زنان بیشتری جهت کمک به درآمد خانواده وارد نیروی کار مزدی می گیرند. حتی امروزه زنان به دلیل نیاز اقتصادی در

نیروی کار مشارکت می نمایند. صرف نظر از اینکه با همسرانشان زندگی کنند و یا اینکه خود سرپرست خانواده باشند. (1)

لیکن برطبق بررسیهای میدانی انجام شده زنان منطقه هر چند که عمدتاً به لحاظ نیاز ملی خانوار اقدام به انجام امور کشاورزی و سایر فعالیتهای اقتصادی می نمایند لیکن محدودیتهای ناشی از نبود فرصت در شرایط بحران اقتصادی آنها قادر به گسترش منابع درآمدی خویش از طریق یافتن شغل درآمدزا نمی باشند بلکه در شرایط گسترش بیکاری بعضاً اشتغال سابق خویش را نیز از دست می دهند، بطوریکه نمونه های چندی در منطقه موید این مسأله بوده است که از سوی دیگر با افزایش سطوح دستمزدها و یا افزایش درآمد خانوار از طریق درگیری در امور زراعی که برای اکثر زنان متأهل سبب بالارفتن درآمد شوهرانشان و بالطبع ارتقاء استاندارد زندگیشان می گردد، زنان زیادی در صدد کاهش کارهای خانگی غیر مزدی شان بر می آیند، در شرایط وجود فرصتهای اشتغال، این عده ضمن استفاده از شیوه های غیر کاربر و خرید خدمات سعی در اشتغال این گروه به اتلاف وقت آزاد شده خویش می پردازند، برای مثال منسوخ گردیدن سنت تهیه پوشاک خانوار و تهیه سایر ملزومات از جمله حصیر، سبد و ... و رواج انواع تجاری آن شاهدهی بر این مدعاست.

بررسیهای به عمل آمده در منطقه نشان می دهد که اگر چه زنان در فعالیتهای اقتصادی و زراعی سهم بسزایی دارند و به خصوص در رابطه با خانوارهای کشاورزی بی زمین و کم زمین یقیناً نقش تعیین کننده ای در جلوگیری از سقوط اقتصاد خانواده در زیر خط فقر داشته اند لیکن محاسبه دقیق سهم آنان در درآمد خانواده نیازمند تحقیق مجزا بوده و از توان این رساله خارج است. چرا که نقش زنان از ابعاد مختلف اقتصادی می بایست مورد توجه قرار گیرد چرا که آنان علاوه بر اینکه با انجام کارهای مزدی مستقیماً در درآمد خانواده مشارکت دارند با اقدام به تولید برخی از نیازمندیهای خانواده و صرفه جویی در خرید خدمات با کاهش هزینه های زندگی از یک سو و با مشارکت در امور کشاورزی و سایر فعالیتهای اقتصادی به عنوان نیروی کار خانوادگی غیر مزدی هزینه های تولید را نیز کاهش می دهد لذا تمامی این مشارکتهای در مجموع می تواند بیانگر مشارکت زنان در درصد بالایی از درآمد خانواده بوده باشد. اما با نگاهی به موارد فوق الذکر و جهت مقایسه ای ساده نسبت درآمد زنان به مردان در جدول شماره (5-11) آورده شده است. لذا باید توجه داشت که درآمد حاصل از کار کشاورزی که همکاری مستقیم زمان را نیز در خود داشته جز درآمد سرپرست خانوار که یک مرد می باشد محسوب شده است.

یافته ها بر این نکته تأکید داشته اند که تفاوتها در ساختار درآمد نواحی بیشتر متأثر از نحوه توزیع اشتغالات

جدول شماره (5-12) حجم کار زراعی زنان در طی سال به تفکیک سطوح درآمدی خانوار

تعداد روزهای کار کشاورزی زنان در طی یکسال								سطوح درآمد (ریال)
درصد	جمع	120+	119-90	89-60	59-30	29-	0	
3	4	-	-	2	1	1	0	
51	67	10	12	25	13	3	4	
6/32	44	2	5	6	19	3	2	
7/10	14	1	1	7	3	10	0	

-	5/1	-	-	1	1	2	0
131	100	13	41	41	37	0	6

جدول شماره (5-11) جایگاه و سهم درآمد زنان و مردان در اقتصاد خانوار

جنسیتها	مجموع درآمدها	تعداد	متوسط	سهم زنان و مردان در فعالیتهای کشاورزی	سهم جنسیتها در درآمد خانوار
ذکور	26682000	156	5/171038	3/63	91%
اناث	2756300	49	56251	7/36	9%
جمع	29438300	25	17666	100	100

و تنوع در فرصتهای اشتغال بوده است چند اشتغالی و تنوع منابع درآمد و موقعیت جغرافیایی در اشتغال زنان و مردان تأثیر بیشتری از عوامل فردی مانند سن و تحصیلات داشته است. در عین حال فاکتورهای مکانی نواحی و مبانی اقتصادی بازار کار تأثیر چندانی در درآمدهای غیر زراعی زنان نداشته است. همچنین «لنبرگر» نیز در مطالعات خویش در مناطق روستایی به نتایج فوق دست یافته است. (2)

بر طبق جدول (5-12) که به مقایسه درآمد زنان و مردان پرداخته است مشاهده می گردد که در برابر 156 مردی که یا از طریق کشاورزی و یا بطور مستقیم درآمدی کسب می نمایند 49 زن به اشتغال مزده می پردازند. این در حالیست که درآمد زنان و مردان اختلاف خاصی را نشان می دهد و به عبارتی متوسط درآمد مردان 114/787/5 ریال بیش از درآمد زنان گزارش شده است. بدین ترتیب نتایج حاصل از کار زنان در مزارع خانوادگی و یا به شکل کار یابوری نیز جزء درآمد مردان محاسبه گردیده است. لذا ملاحظه می گردد که سهم زنان در اشتغال کشاورزی بیش از 26 درصد بوده در حالیکه سهم آنان از درآمد خانوار تنها 9% برآورد شده است.

سایر متغیرهای مستقل مانند نرخ بیکاری، اشتغال مرد خانوار، سنتها و وجهه نظرها و ... به درآمد زنان مزرعه مرتبط است. نیروی کار زنان روستایی، تقاضاها و کارهای تحمیل شده بر آنها توسط خانواده هایشان، وسعت مسئولیتهای مزرعه و خصوصیات بازار کار زنان روستایی، تقاضاها و کارهای تحمیل شده بر آنها توسط خانواده هایشان، وسعت مسئولیتهای مزرعه و خصوصیات بازار کار به عنوان نقشهایی مؤثر بر اشتغال خارج از مزرعه زنان و درآمدها در نظر گرفته شده است نحوه درگیری زنان روستایی در فعالیتهای اقتصادی قویاً به درآمدهای غیرزراعی مردان و سطوح درآمد خانوار مرتبط است.

ارتباط بین سطوح درآمدی و حجم کار کشاورزی زنان از جدول شماره (1) قابل درک می باشد بطوریکه ملاحظه می گردد در خانوارهایی با درآمد پایین ترین زنان روزهای بیشتری کار می کنند. از سوی دیگر کار زنان روستایی خود سبب بالارفتن سطح درآمد خانوار گشته و از افت خانواده در زیرخط فقر جلوگیری می نماید. بدین ترتیب کمترین تعداد شاغلین زن در بین خانواده های با درآمد سرانه بسیار بالا دیده می شود. لذا یکی از محرکهای قوی در جذب زنان در نیروی کار کشاورزی نیاز اقتصادی می باشد تا ارتقاء شخصیت و یا نیاز به فعالیتهای اجتماعی و ... بدین ترتیب ملاحظه می گردد که علیرغم اینکه افزایش درآمد خانوارهای به معنای ارتقاء رفاه و آسایش خانوارهای روستایی است، می تواند سبب خارج شدن زنان از نیروی کار اقتصادی و

آزادشدن اوقات آنان گردد. از اینرو ضمن تلاش جهت بالابردن سطوح درآمدی خانوارهای کشاورزی و حمایت از این اقشار، یافتن جایگزین های مناسب جهت استفاده بهینه از این وقت آزاد شده برای دستیابی به توسعه همه جانبه در روستاها امری ضروری است. در این راستا، آچی مینگ در مطالعات خودش در رابطه با کشور غنا توصیه های زیر را جهت مشارکت فعال زنان ارائه می دهد: این توصیه ها عبارتند از:

تحصیل و آموزش در 1 - تأسیس مؤسسات مشارکتی 2- سازماندهی مهارتها 3- توسعه انسانی
وضع قوانین خدمات حمایتی مانند: الف (انگیزش و آگاهی دادن ب) دسترسی به اعتبارات ج (تکنولوژی ذخیره کننده زمان و نیروی کار د) تبلیغات

پیشنهادات فوق در جهت تشکل زنان حائز اهمیت می باشد اما آنچه که در منطقه مورد مطالعاتی بیش از هر چیزی مورد نیاز است ایجاد زمینه ها اشتغال و تشکل در فعالیتهایی که بعضاً انگیزه های اقتصادی نیز داشته باشد و همچنین آموزشهای فنی - حرفه ای خصوصاً برای زنان نسل جوانتر که در امور کشاورزی جذب نمی گردند می باشد. در این رابطه سازمان فائو در پی شناخت و بررسی عواملی است که باید توجه داشت که دسترسی زنان به منابع درآمد به معنای دسترسی کل خانوار به رفاه بیشتر است چرا که بررسیهای میدانی نشان می دهد که تمامی زنان مزدبگیر درآمد خویش را جهت رفاه خانواده خصوصاً فرزندانشان صرف می نمایند.
گاسون نیز در مطالعات خودش نشان داده است که جاییکه زنان یک فعالیت مستقل را در مزرعه و یا خانه مانند نگهداری از طیور و یا تولید سبزیجات معیشتی اداره می کنند، به نظر می رسد، آنها بیشتر قادر به کنترل درآمدهای حاصل از آن امور باشند.

همچنین شواهدی که وی ارائه می دهد حاکی از این است که زنان و مردان درآمدهایشان را در مورد مختلف صرف می نمایند. زنان تأکید بیشتری به تحصیل فرزندان خویش دارند، خصوصاً در مورد دختران اصرار بیشتری است که آنان به دور از اشتغالات زراعی به تحصیل بپردازند. بنابراین ایجاد صنایع درآمدی مستقل برای زنان نه تنها سبب بالانگه داشتن خانوار از خط فقر و ارتقاء آسایش خانواده می گردد، بلکه اعتماد به نفس، شخصیت و موقعیت اجتماعی بالاتری را برای زنان فراهم خواهد ساخت.

- 1- Jean limpman "Gender Roles and Powe "Blumen prentice hall Inc.
Englewood cliffs, New Jersey. 1984, p.164.
- 2- Ann zibarth Dell enbarger "An analysis of industrial and occupational strtification in rural labour market areas pHc thesis adviser: deseran, forresst A. the louisiana state university and agricultural and mechanical co. 1988.
- 3- Naana Agremeng - mensah, "Anexamination of the nature and extent of rural womens partticipation In come - Generation progects in ghana "PHD thesis michgan state university, date 1985 pp 188.

4- سازمان فائو، نقش زنان در کشاورزی ترجمه غ ، صالح نسب ، مجله چهار شماره 153 ، ص 62.

2-5- نقش و جایگاه تصمیم گیری و مدیریتی زنان در امور تولیدی و خانوادگی:
در مطالعات مربوط به خانواده در مکانهای روستایی نیاز به چهارچوب تئوریک برای شرح نقشهای خانواده و تصمیم گیری در درون مزرعه خانوادگی - که عمدتاً می بایست تصمیماتی را اتخاذ نمایند که خانواده های غیر زارع با آن مواجه نیستند - به چشم می خورد چرا که واحد

سرمایه گذاری تولیدات زراعی یک فعالیت خانوادگی است. تصمیمات خانواده های زارع منعکس کننده اندازه، ساختار و تأثیرات متقابل خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی است یک جنبه از این تصمیمات برنامه ریزیهای بلندمدت را برای ایجاد منابع اقتصادی جهت پشتیبانی اقتصادی از خانوار را شامل می گردد.

در خانوارهای معمولی، منابع اقتصادی توسط اقدامات فردی مزد بگیران مستقل که خانواده را برای مشارکت در یک بازار نیروی کار رقابتی ترک می نمایند، تولید می گردد. در حالیکه در خانواده های کشاورز بخشی از استراتژی کلی برای خلق منابع اقتصادی ممکن است تأکید بر کسب درآمد از طریق سایر منابع اقتصادی، برای مثال فروش محصولات تولیدی کشاورزی که توسط اقدامات مهم پیوسته و فعالیتهای مشارکتی کلیه اعضاء خانواده که جهت ارتقاء واحد سرمایه گذاری مزرعه تلاش می کنند صورت گیرد. همچنین خانواده های زارع تصمیماتی در رابطه با تخصیص سرمایه اتخاذ می نمایند، که اختصاص منابع اقتصادی در بین نیازهای خانوار و نیازهای واحد سرمایه گذاری را شامل گردد برای مثال ترتیب دادن دام، اجاره یا فروش زمین، سرمایه گذاری در ابزار کشاورزی و ... علاوه بر این خانواده های کشاورز نیاز به اخذ تصمیمات عملی نیز دارند (مثلاً کسب و کجا به کشت و زرع و برداشت پردازند، و کسب و کجا و با چه قیمتی محصولات کشاورزی را به فروش برسانند و چه میزانی از محصول را برای مصارف طول سال خانواده ذخیره نمایند) این امر بطور قاطع بر کارکرد روزانه واحد سرمایه گذاری مزرعه تأکید دارد. در خانواده زارع تقسیم کار به منظور ارتقاء منابع اقتصادی از طریق درآمد و تولیدات زراعی طراحی شده است فرآیندهای تصمیم گیری که در تقسیم کار مطلوب حاصل می گردد نه تنها امور متعلقه به ترکیب خانوار بلکه ساختار و مدیریت واحد سرمایه گذاری مزرعه را تحت پوشش دارد.

مطالعات در امور خانواده و این فرض استوار است که توانایی اخذ تصمیم در اکثر خانواده ها وجود دارد. (1)

بنابراین برخی از دیدگاههای برخاسته از مطالعات خانواده، تصمیم گیری را به عنوان یک مقیاس اندازه گیری ارتباطات قدرتی و متدولوژی مناسبی برای مطالعه توزیع قدرت در خانواده می دانند. در این قالب مطالعات چندی به بررسی نحوه گسترش تصمیم گیری زنان و شوهران در خانه و یا در اشتغالزای زراعی پرداخته اند. هر چند که تصمیم گیری ممکن است ارتباطی به قدرت در درون خانواده نداشته باشد. به هر حال با در نظر داشتن این پیش فرض که قدرت تصمیم گیری زنان از عوامل مؤثر دال بر چگونگی موقعیت آنان در خانواده و جامعه می باشد، پرسشی از نحوه مشارکت زنان در انواع تصمیم گیریها به عمل آمد و از آنجائیکه امکان مشاهده مستقیم نحوه تصمیم گیری در خانواده کشاورز برای پرسشگران وجود نداشت لذا می بایست به پاسخ های شفاهی افراد اعتماد نمود و این مطلب نه تنها در مورد اینکه چه کسی باید تصمیم بگیرد، بلکه در این مورد که چه کسی واقعاً تصمیم گیرنده است نیز صادق است.

بر این اساس ابوت در 1976 مطالعاتی را در زمینه نحوه تصمیم گیری در خانواده کشاورز بر دو مبنای اینکه چه کسی باید تصمیم بگیرد و چه کسی واقعاً تصمیم گیرنده است بنا نهاد. نتایج این بررسی نشان می دهد که در حد بالایی از تصمیم گیریها (حداقل 74 درصد) ظاهراً مرد تصمیم گیرنده است ولی بطور عینی زنان نقش اساسی در اعمال این تصمیمات دارند. اما در مورد تصمیماتی که به فعالیتهای معیشتی (کشت محصولات خانگی و طیور) مربوط می شود، توازن و هماهنگی کمتری وجود دارد، بنحوی که در 50 درصد موارد مرد به تنهایی تصمیم

گیرنده است و فقط 3 پاسخها بیانگر این است که زنان مستقلاً تصمیم می‌گیرند، در صورتیکه بیشتر زنان تمایل دارند که در فعالیتهای معیشتی خویش مستقلاً و به تنهایی تصمیم گیرنده باشند. از طرف دیگر باید میان کسی که تصمیم می‌گیرد، کسی که مسئول به انجام رساندن تصمیم است و کسی که تصمیم را در عمل انجام میدهد تفاوت قائل باشد. برای نمونه يك مالك ممكن است در هنگام برداشت تصمیم بگیرد در حالیکه همسر او موظف است کارگران را برای برداشت محصول انتخاب کند و خود بر چگونگی کارشان نظارت نماید. بدین ترتیب نظر به تنوع تصمیماتی که غالباً توسط يك خانوار کشاورز ممکن است اتخاذ گردد، این تصمیم‌گیریها به سه دسته تقسیم گردید:

- 1- تنظیم و کنترل نهاده ها
 - 2- سازماندهی تولید و بازاریابی، که این دو مستقیماً به امور تولیدی خانوار مربوط می‌گردد.
 - 3- مدیریت امور خانواده که تصمیم‌گیری در حیطه کارهای روزمره در درون خانواده را در بر می‌گیرد.
- جدول 5-13- نحوه توزیع تصمیم‌گیری زنان و مردان را در هر يك از امور مذکور نشان می‌دهد.

بر طبق جدول داده شده ملاحظه می‌گردد که گرچه زنان نقش بسزایی در سه گروه فعالیتهای یاد شده دارا می‌باشند لیکن مهمترین تصمیم‌گیرنده مردان بودند و عمدتاً زنان نقش عمل‌کننده را بر عهده دارند از اینرو درجه تصمیم‌گیری زنان در حیطه امور تولیدی و خانواده متفاوت می‌باشد این رقم با تصمیمات مربوط به سازماندهی تولید و بازاریابی برای زنان قریب به 19 درصد و برای مردان 59/3 درصد می‌باشد این درحالیست که زنان بیشترین قدرت تصمیم‌گیری را در حوزه وظایف خانوادگی دارند در این حیطه 33/5 درصد تصمیمات به عهده زنان و 43 درصد نیز بر عهده مردان می‌باشد.

علاوه بر استقلال مالی زنان میزان تحصیلات زن و شوهر هر دو اعطاء نقش مدیریتی به زن حائز اهمیت است. بطوریکه زن تحصیل کرده جهت مشارکت در فعالیتهای عمومی و اتخاذ تصمیم‌های مردم از آگاهی و قدرت بیشتری برخوردار می‌باشد. از سوي دیگر مرد باسواد و آگاه با شناخت از نقش همراهی همسر خویش برای وي شخصیت بالاتر قائل بوده، در نتیجه به رأي و نظر ایشان احترام بیشتری قایل خواهد شد. بر طبق بررسیهای موردی انجام شده از 131 خانوار نمونه ارتباط فاکتورهای مذکور به شرح زیر بوده است. جدول (5-14)

جدول (5-14)

انواع تصمیمات متخذه			سطوح تحصیلي	جنس
مدیریت امور خانواده	سازماندهی تولید و بازاریابی	تنظیم و کنترل نهادها		
70	53	47	بیسواد	
43	38	31	دبستان	
98	7	7	راهنمایی	
5	2	3	نظري و ديپلم	زن
0	0	0	فوق ديپلم	
0	0	0	لیسانس	
127	101	88	جمع	
45	45	45	بیسواد	
43	43	43	دبستان	
26	26	26	راهنمایی	
13	13	13	نظري و ديپلم	مرد
2	2	2	فوق ديپلم	
1	1	1	لیسانس	
130	130	130	جمع	

مطالعه توزیع انواع تصمیم گیریها در ارتباط با سطوح تحصیلي به دلیل نامتوازن بودن تعداد زنان و مرد و زن در سطوح تحصیلي مختلف قادر به تقسیم دقیق تأثیر سواد بر نحوه تصمیم گیری هر يك از جنسيتها نمی باشد. لیکن با این وجود تا حدودی بیانگر مشارکت بیشتر زنان بیسواد و کم سواد در امور تولیدی کشاورزی است، چرا که این زنان درگیری بیشتری در فعالیتهای کشاورزی دارند و بالطبع نسبت به سایر زنان دخالت کمتری در این امور دارند در تصمیم گیریهای مربوطه نیز مشارکت کمتری داشته اند. این درحالیست که مردان در سطوح متفاوت تحصیلي مشارکت یکسانی را در تصمیم گیریها نشان داده اند. در نهایت قابل ذکر است که نیازهای اساسی افراد به عنوان غذا، لباس، سرپناه، آب آشامیدنی سالم و بهداشت و تحصیل تعریف شده است. زدودن و کاستن از کارهای تحمیل شده مفرط نیز توسط برخی نویسندگان به موارد فوق اضافه شده است. نظر بر این است که غذا، لباس، و تحصیل نیز می بایست توسط جامعه فراهم گردد. از دیگر موارد می توان به نیاز مشارکت مردم در تصمیم گیریهای جامعه و قدرت تصمیم گیری در درون خانواده ذکر نمود که می بایست از طریق تأثیرات متقابل مشارکت به عنوان عامل اصلی استراتژی نیازهای اساسی به تدریج آموزش داده شود.

به دلیل اشراف بر تمام مسایل نیازهای اساسی غیر مادی قدرت و تصمیم گیری در مورد زنان حتی نسبت ب مردان مهمتر می باشد، هنوز موقعیت شخصی و اجتماعی زنان توسط ساخت و عملکرد طرحهای متمرکز کشاورزی و برنامه های فقرزدایی تهدید می گردد که این امر خودبخود بر قدرت تصمیم گیری آنان مؤثر است.

بنابراین مطالعه وضعیت زنان بطور مجزا از سایر مقولات اقتصادی کلان و نگرش به آنان به طور منفصل و سواي از شرایط حاکم بر جوامع روستایی محقق را به بیراهه می کشاند، لذا مطالعات زنان در توسعه روستایی می بایست به طور یکپارچه و ممکن با سایر مسایل روستا

صورت گرفته و طرحها و برنامه هاي جامع روستايي بگونه اي طرح ريزي گردد كه زنان
جايگاه خاصي در آن بيابند.

1- Wikenig E.A Farm families and family living' in R.T Coward and west
view press.

B.J. sawer pradictors of the farm wife s involvement in general
management and adoption clocisions "rural sociology 38 (4) 412-25.

3- نقش زنان روستایی تالش در حمایت و حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست: کل جامعه بشری وظیفه دارند محیط زیست خود را بشناسند و در حفاظت آن صمیمانه بکوشند. خصوصاً زنان که نیمی از این جامعه بوده و پرورش دهنده نیم دیگری نیز هستند نقش مؤثرتری در این امر مهم دارند.

انسان از دو طریق تعادل طبیعت را به هم می زند. (1)

الف: افزایش بی رویه جمعیت

ب: بهره گیری نادرست از دانش جدید

همانطور که گفته شد نوع وظایف زنان روستایی ارتباط غیرقابل آنان با منابع طبیعی و محیط زیست را به خوبی آشکار می سازد. زنان روستایی برای پخت و پز به هیزم نیاز دارند و برای حفظ جان دامشان به علوفه مرتعی، در اینجا صحبت بر سر حیاتی ترین مسأله زندگی روستائینان است. اگر حفظ جنگل و مرتب اهمیت ملی و حتی جهانی دارد، که مسلماً دارد پس باید برای تأمین نیازهای اساسی این زحمتکشان محروم فکری کرد. زن روستایی فقیر که فرزند و دام گرسنه خود را پیش رو دارد نمی تواند نگران حفره بوجود آمده در لایه اوزون باشد، حتی اگر با اقدامات آگاهی دهنده، روستائیان و عشایر به اهمیت موضوع واقف شوند، باز هم آنان حق دارند که در صدد رفع نیازهای بسیار ابتدایی خود باشند. اقدامات انسان بر روی همه عوامل زیست محیطی تأثیر می گذارد. می دانیم که آب یکی از این عوامل و مایه حیات همه جانوران است و بدون آب زندگی ممکن نیست. آب هم چنین نقش اساسی در فعالیتهای کشاورزی و صنعتی دارد.

با تمام اهمیتی که آب در کلیه فعالیتهای حیاتی دارد، انسان بیش از همه موجودات زنده در آلودگی و هدر دادن آن تأثیر دارد. در اینجا نقش مهم زنان روستایی تالش در حفظ این مایه حیات و همچنین آموزش این امر به نسل های آینده روستا اهمیت پیدا می کند برای این منظور زنان در مناطق روستایی بهتر است توجه کنند که:

- از روش های صحیح آبیاری استفاده شود.

- از کودها و سموم شیمیایی کمتر استفاده شود؛ چون این مواد اصلی ترین آلاینده های آب هستند.

- از شستن وسایل سمپاشی در آب های جاری و مورد مصرف خودداری شود.

- از ریختن زباله، قوطی های سموم، حشره کش ها، کیسه های پلاستیکی و غیره در مناطق آبی جلوگیری شود.

- در مصارف روزانه از آب عاقلانه و منصفانه عمل شود.

- به فرزندان ارزش و قدر و نعمت آب شناسانده شود.

آب آلوده رودها عامل مهمی در شیوع بیماریهای نظیر حصبه، شبه حصبه، زردی، اسهال. عفونتهای کبدی، کم خونی و بیماریهای انگلی است. یکی از عوامل آلودگی آب رودها شستشوی لباسها و ظرفها و وسایل مختلف در رودهاست. عدم دسترسی به وسایل لازم زندگی و رعایت بهداشت اولیه در روستاهای دورافتاده منطقه مورد مطالعه زنان روستایی تالش را نادانسته به آلوده کردن محیط زیست وارد می سازد، شستن زیرانداز و پوشاک و ظرف در آب رودها که با استفاده از صابون و مواد شیمیایی دیگر همراه است موجبات ضررها و زیانهای بسیاری را برای سلامت محیط زیست فراهم می نماید.

عکسها مناظری از آلوده کردن محیط زیست را توسط زنان روستایی نشان می دهند، اما در عین حال دیگری را نیز باز گو می کنند، این واقعیت که زیست زنان روستایی شهرستان با چه مشکلات دردناکی همراه است.

اما در رابطه با نقش زنان در کاربرد و صرفه جویی در مصرف انرژی باید گفت که کسی به درستی نمی‌داند که منابع سوخت ما تا چه مدت دوام خواهند داشت، اما محققان یقین دارند که غیر از چوب، دیگر سوختها به کندی تولید می‌شوند. به این ترتیب با افزایش جمعیت و مصرف سوخت بیشتر، ذخایر سوختی رو به نقصان خواهند گذاشت. از چندین سال پیش، به تدریج مواد گاز طبیعی و نفتی جایگزین سوختهای قبلی شده است چون از میزان موجودی ذخایر سوختی نظیر ذغال سنگ، نفت و گازهای طبیعی اطلاع دقیقی در دست نیست باید در مصرف آنها احتیاط لازم را به عمل آورده و از به هدر رفتن آنها کاست. به عبارت دیگر باید راه حفاظت سوخت‌هایی را که به آنها نیاز است دانست. بهترین سوختی که در برخی جوامع روستایی کشورها استفاده می‌شود بیوگاز است. ترکیب اصلی این گاز متان است و در محل انباشت مواد زائد آلی همچون کود حیوانی و ساقه و برگ و مواد زائد گیاهی که دور از هوا پوسیده و یا تخمیر می‌شوند بوجود می‌آید.

بنابراین زنان روستایی تالش خصوصاً روستاهای کوهستانی می‌توانند با فراگیری این روش نقش ارزنده‌ای را در صرفه جویی انرژی‌های هسته‌ای داشته باشند. بنابراین صرفه جویی در انرژی از واحد خانوار شروع می‌شود و آموزش آن توسط مادر خانواده می‌تواند نقش اساسی و مهمی را در رفتار خانوار بازی کند. همچنین زنان روستایی منطقه می‌توانند نقش مهمی را در زمینه حفظ درختان و جنگل‌ها داشته باشند و به سایر افراد این آگاهی‌ها را بدهند که به شرح زیر می‌باشد:

- به افراد خانواده توصیه کنند برای مصارف سوختی فقط از شاخه‌ها و درختان خشک شده و مرده استفاده کنند،

- به فرزندان خود مزایای درخت و احترام به آن را به عنوان یک موهبت الهی بیاموزند.
- حتی الامکان در محیط زندگی خود اقدام به کاشت درختان مناسب منطقه کنند.
- به جای هر درخت خشکی که بریده می‌شود یک درخت بکارند.

با توجه به نوع معیشت غالب در منطقه که کشاورزی می‌باشد استفاده از سموم شیمیایی غیر قابل اجتناب است و مسائلی را پیش می‌آورد.

حفاظت از محصولات کشاورزی از قدیم الایام یکی از نگرانی‌های کشاورزان بوده است. یکی از راههای حفظ محصولات استفاده از سموم شیمیایی برای دفع آفات، حشرات و جانوران موزی است، در ابتدا شناسایی سموم و اثرهای فوری آنها بر آفات، انسان فکر می‌کرد که به این دشمن بزرگ پیروز شده است اما به تدریج نتایج خطرناک سموم شناخته شد و انسان فهمید که به دست خود چه خسارتهای شدیدی به محیط زیست خود وارد کرده است.

زنان و کودکان روستایی در فعالیتهای مختلف کشاورزی مشارکت فعال دارند و با مصرف سموم شیمیایی همواره در معرض خطرات و صدمات حاصل از آن قرار می‌گیرند. زنان به عنوان کسانی که بیشتر در معرض خطر هستند و عوارض ناشی از سم را به هنگام بارداری و شیردهی به فرزندان خود منتقل می‌کنند می‌توانند با شناخت این مواد و عوارض آنها نقش مهمی را در استفاده صحیح و کاهش مصرف آنها داشته باشند.

همچنین زنان می‌توانند با آگاهی به مقدار مورد نیاز و اصول استفاده از سموم، شیوه نگهداری آنها، اصول بهداشتی در هنگام مصرف بعد از آن، چگونگی استفاده از محصولات بعد از سمپاشی، در کاهش خطرهای سموم کشاورزی و کاهش آلودگی محیط زیست مؤثر باشند. در این زمینه چند توصیه به زنان شده است:

- با مبارزه بیولوژیک و استفاده از حشرات شکارگر آشنا شوند و آنرا به کشاورزان دیگر توصیه کنند.

- سموم باید همیشه دور از دسترس اطفال در محل یا قفسه ای که درب آن بسته نگهداری شود.
- سم را به مقدار لازم و توصیه شده مصرف نمایند تصور نشود که میزان زیادتر سم تأثیر بیشتری روی آفت دارد.

- سم را در سمپاش به حدی بریزید که سرریز نشده و محیط اطراف را آلوده نکند.
- از ریختن سم اضافی و یا مواد آلوده به سم در رودخانه ها و جریانهای آبی اکیداً خودداری شود.

1- معروفی . پرومین، دانش امروز زنان روستایی. نشر آموزش کشاورزی، دفتر ترویج
فعالیت‌های زنان روستایی جلد 2 1378

فصل سوم

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

مقدمه:

در بیان مفاهیم توسعه، ملاحظه شد که همواره در توسعه، تحول می‌یابد جزء ذاتی باشد و همانطوریکه تحول جنبه مادی و فیزیکی را دربرمی‌گیرد جنبه معنوی و انسانی را نیز دارد. لذا هدفهای مشخص اصلی برنامه‌های توسعه می‌یابد محور قرار دادن ابعاد انسانی بشر و ارتقاء کیفیت این جنبه‌ها باشد. بنابراین توجه به جنس مونث نه به عنوان نیمی از نیروی کار بلکه به عنوان نیمی از جمعیت و انسانهایی که مستحق توجه بیشتر می‌باشند می‌بایست مد نظر برنامه‌های توسعه باشد.

در این راستا؟ زن و توسعه از دهه‌های بعد از 1960 وارد ادبیات توسعه گردید و در این میان بخشی از این رسالت بر دوش جغرافیای انسانی که قطب مهم و کار آمد مطالعات انرا - انسان تشکیل می‌دهد قرار گرفت.

مساله اساسی که در ابتدای تحقیق مد نظر بوده است تأکید بر این نکته داشته که زنان دارای نقش چندگانه‌ای در خانواده و جامعه می‌باشند، لیکن نقش تولیدی زنان روستایی بصورتی پنهان به انجام رسید دکتر تجلی اقتصادی و حتی اجتماعی یافته است. همچون از آنجائیکه بنیان اقتصادی قریب به اتفاق روستاهای کشور، کشاورزی و فعالیتهای وابسته بدان می‌باشد، بهره‌گیری از نیروی کار زنان عمدتاً در امور حاشیه‌ای، پرزحمت و بعضاً طاقت فرساست. اما در عین حال کار زنان نقشی اساسی در ممانعت از سقوط خانوار روستایی در فقر مطلق دارد.

اصولاً امر اشتغال در جامعه روستایی بسیار پیچیده است و وضوح و روشنی که در اکثر بخشهای شهری یافت می‌گردد در آنجا دیده نمی‌شود. این وضعیت در رابطه با زنان روستایی از شدن بیشتری برخوردار است خصوصاً این امر زمانی روشن می‌گردد که توجه داشته باشیم فعالیت زنان روستایی بیش از مردان تحت تأثیر شرایط و عوامل گوناگون اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی و اکولوژیکی است علاوه بر این در خلال پژوهش روشن شد که کار کشاورزی از نظر زن روستایی منطقه تالش دارای پایین‌ترین ارزش و منزلت بوده و عمدتاً به جهت الزامات اقتصادی بدان پرداخته‌اند و به محض بر طرف شدن نیازهای اقتصادی خانواده از نیروی کار کشاورزی خارج می‌شده‌اند از سوی دیگر زنان مورد نظر عمدتاً ترجیح می‌دادند که در زمین مزروعی خانواده کار می‌کنند و تنها تعداد کمی کار مزدی را مرجع می‌دانستند. این امر بیانگر وجود زمینه‌های گرایش به خود اشتغالی برای زنان روستایی می‌باشد.

پیشنهادات:

آموزش زنان = آموزش جامعه

با توجه به بررسی‌های انجام شده نکات زیر برای بهبود وضعیت موجود منطقه پیشنهاد می‌گردد:

- بیمه و تأمین آینده زنان روستایی؛ به رغم فعالیتهای کشاورزی زنان، آنان همواره به عنوان خانه‌دار شناخته می‌شوند و از مزایای بیمه بازنشستگی، بیمه درمان و غیر محرومند.

- تأمین اعتبار و نهاده‌های کشاورزی؛ به علت مالکیت محدود زنان روستایی در خصوص زمین، امکان دسترسی به اعتبارات و نهاده‌ها برای زنان مشکل است.

- تدوین قوانین حمایت از حقوق زنان روستایی؛ هر گونه برنامه‌ای برای دفاع از حقوق زنان روستایی باید مبتنی بر پشتیبانی قانونی باشد. لازم است در صورت لزوم قوانین مربوط به این امر تصویب شود.

- ایجاد اشتغال مناسب برای زنان کشاورز؛ از آنجا که تنوع شغلی در روستاها کم است و درآمد حاصل از آن نیز اندک است، ضرورت دارد که صنایع دستی و صنایع غذایی در روستاها جهت اشتغال زایی ایجاد گسترش داده شود.

- توزیع عادلانه امکانات؛ موقعیت زنان به گونه‌ای است که هر نوع امکانات اعطایی به روستاها بیشتر نصیب مردان می‌شود تا زنان. ضروری است که با اندیشیدن تمهیداتی نسبت به تبعیض اقدام شود.

- تواناسازی زنان روستایی برای استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات به منظور بهبود معاش و وضعیت خانواده و محیط پیرامونشان و تقویت صدای آنان در سطح ملی و محلی.

فناوری اطلاعات و ارتباطات اعم از جدید و سنتی می‌تواند زنان کشاورز را در امور مدیریت مزرعه از هنگام تصمیم‌گیری برای کاشت محصولات تابرداشت، عرضه و بازاریابی محصولات هدایت و راهنمای کند.

بر این اساس دختران در زنان روستایی با توجه با توجه به نقش‌های جنسیتی خود نظیر عامل تولید، مدیر منزل، تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز و عضو مؤثر در پیکره اجتماع به اطلاعاتی درباره اعتبارات، نهاده‌های کشاورزی، فنون و عملیات کشاورزی، بهداشت و محیط زیست نیاز دارند.

- تلاش برای تقسیم منصفانه وظایف خانگی بین اعضای خانواده‌های روستایی.

- ارتقای فرهنگ و آگاهی‌های عمومی جامعه روستایی، در زمینه نیاز و مسائل زنان و تأکید بر اصلاح باورهای نادرست.

- سواد آموزی زنان به عنوان اهرمی قوی برای رشد معیارهای زندگی و گسترش مشارکت آنها در فعالیتهای اجتماعی اقتصادی، فرهنگی و ... محسوب می‌شود.

- تلاش در تغییر و اصلاح آمارنامه‌ها و تعریف شغل و معیارهای تمیز شغل خانگی و مشاغل بیرونی و وارد کردن زنان روستایی و اشتغالات آنها در عرصه شغل.
بها دادن بیش از پیش به کار آنها.

□ خط‌مشی‌ها و استراتژیهای زیر برای حفاظت محیط زیست پیشنهاد می‌گردد.

- افزایش نرخ با سوادی از طریق اجرای برنامه‌های سواد آموزی.

- اقدام عاجل در مورد تأمین امکانات آموزشی برای زنان به خصوص آموزشهای زیست محیطی، بهداشتی، کشاورزی و آموزشهای پایه و تلاش در جهت رفع تبعیض موجود همان زنان و مردان در زمینه برخورداری از امکانات آموزشی.

- تأمین نیازهای اولیه و ابتدایی زنان روستایی برای رفع نیازهای اولیه آنها به منظور جلوگیری از انهدام منابع طبیعی.

- شناسایی موشهای نسبی به کار گرفته شده به وسیله زنان روستایی در حفظ مراتع و کاربرد آنها به روشهای نوین.

- ایجاد و توسعه تعاونی‌های زنان روستایی به منظور افزایش درآمد زنان و کسب آگاهی‌های بیشتر در نتیجه کمک به حفظ محیط زیست.

پیوستها:

نقش سازمانهای غیر دولتی NGO و مشارکت زنان در پروژه‌های توسعه:¹

با تأکید پیشبرد توسعه، در اواخر 1960 بسیاری از مؤسسات رفاهی و سازمانهای داوطلب فعالیتهای خود را در کشورهای در حال توسعه گسترش دادند و غالباً بخشها یا سازمانهایی را شبیه به گروهها و سازمانهای مادر در کشورهای توسعه یافته بود آوردند.²

¹ -Viswanath, Vanita " Non -Gouernment organization and women's developent : models from rural south India: the university of Texas at Austin, Degree: PHC, adrisen: har dgrave. Robert I. 1988

² -Buvinc, Marya , "Projects for women in the third wored ,Explaining their misbehavior" world development vol.14 No,5. 1986

به دنبال آن در آغاز 1970 همانطور که بیان گردید تصور اینکه انتقال تکنولوژی و سرمایه از کشورهای توسعه یافته به سمت کشورهای در حال توسعه باعث رشد برابر خواهد شد مودر انتقاد قرار گرفت و استراتژی‌هایی با تأکید بر اضمحلال فقر و دستیابی به برابری ظاهر شد. در همین زمان پروژه‌ها به داده‌هایی دست یافتند که مستقیماً فقرا را مورد حمایت قرار گرفتند و به موازات آن سازمان‌های آسایش و رفاه اجتماعی شروع به انتقال خود به آژانس‌های توسعه نمودند. در طی این دوره قابلیت دسترسی به سرمایه‌ها سبب بوجود آمدن سازمان‌های غیر دولتی (NGO)³ جدید شد. موضوعات کلی آنها در رابطه با اینکه تفوق اقتصادی و سایر خدمات را برای فقرا تهیه نمایند - شبیه به مؤسسات رفاهی قبلی بوده است برای مثال برخی از آنها غدارسون‌های مشارکتی را برای تهیه اعتبار خدمات کشاورزی، بازاریابی و سایر خدمات را سازمان دادند و برخی دیگر همچنان به گسترش و توسعه تجارتهای کوچک اهتمام ورزیدند.⁴

بدنی ترتیب یکی از امیدوار کننده‌ترین نتایج دهه زنان سازمان ملل ظهور سازمان‌های غیر دولتی زنان اهداف از بین بردن فقر و اعطاء برابری در کشورهای جهان شوم بوده است. چنین سازمان‌هایی همچنین یک نقش حیاتی در آموزش زنان به عنوان میزان و رهبران آینده بازاری می‌کنند.⁵

در مورد اینکه سازمان‌های غیر دولتی (NGOs) برای مشارکت زنان در پروژه‌ها و برنامه‌هایشان چه کاری می‌کنند و همچنین آنها چگونه زنان را هم به عنوان کارگزاران حرفه‌ای و هم به عنوان نفع برندگان از خدمات ایجاد شده مشارکت می‌دهند نوشته‌های بسیار اندکی وجود دارد. مطالعات انجام شده توسط محققان این واقعیت را آشکار می‌کند که شرایط زندگی زنان فقیر تأثیراتی بر برنامه‌های دولتها و مؤسسات اعطاء کننده داشته و تأثیرات زیادی نیز بر زنان طرفدار عمل و شاغل در کشورهای جهان سوم برجای می‌گذارد. این واقعیتی است که با گذشت بیش از دو دهه از دهه زنان سازمان ملل در بسیاری از دولتها وزارتخانه‌ها مربوط به زنان ایجاد کرده‌اند که از این طریق پست‌هایی را برای زنان در

³ - Non Gorermental organizations.

⁴ - Sally w. Yudelma , Idib 1987. Pp -179 – 180

⁵ . Viswanath, Vanit .” Non –Government organization and womens development : models form rural solth India , the univer sity of tezas at Austin.degree,PH.D adviser :Hardgrav,Robert I.1988.

میان سایر وزارتخانه‌ها ایجاد نمایند، هر چند که این مکانیزمها بطور کلی در ارتباط با نیازهای خاص زنان در سیاستهای بخشی و در سطح کلان مؤثر نبوده است. در انی اقدام موازی سازمانهای غیر دولتی (NGO) که مجموعه‌ای از واحدهایی است که توسعه زنان را دنبال می‌کند، فعالیتهای مداوم توسعه را تقویت نمود لذا باید در نظر داشت که برنامه‌های NGO بطور معمول بر اساس خط سیر پروژه‌ای که بر مکانهای خاص و یا گروه‌های ویژه نفع برنده بیش از سیاستهای ملی و یا منطقه ای تأکید دارد انجام می‌شود. از آنجائیکه نه دولتها و نه آژانسهای اعطاء کننده مشتاق سرف سرمایه‌های اساسی نمی‌باشند، پروژه‌های اقتصادی زنان غالباً به اقدامات متنوع و کوچک که معمولاً به صورت کار داوطلبانه صورت می‌گیرد بیش از آنکه در قالب برنامه‌های مؤثر توسط متخصصانی که کمکهای تکنیکی کارآمد آموزش و دسترسی به اعتبار را قادرند تهیه نمایند محدود می‌گردد. لذا بطور کلی پروژه‌های زنان سازمانهای غیر دولتی کوچک بوده اغلب نسبت به کل برنامه‌های حاشیه‌ای می‌باشند. پروژه‌های درآمدزا، درآمد اندکی را تولید کرده و در بالا بردن مهارتهای سازمانیابی و مدیریت زنان دچار شکست شده‌اند، لذا زنان به ندرت کمکهای تکنیکی و یا اعتباری برای گسترش فعالیتهای کشاورزی خود دریافت می‌کنند، همچنین غالباً پروژه‌های زنان فعالیتهای جدیدی را مطرح می‌سازند که باعث افزایش کارهای سنگینی می‌گردد که اکثر زنان فقیر بطور روزانه آنها را انجام می‌دهند و چه بسا ممکن است اینگونه فعالیتهای با زندگی روزمره آنان نیز نامربوط باشد. بدین دلیل، این برنامه‌ها هر چند جدید باشند اما بطور کلی ممکن است در جذب نظرات جدی برنامه ریزان دولتی دچار شکست شوند.

بدین ترتیب سازمانهای زنان، حداقل آنهايي که جهت‌گیری فقر و برابری دارند بر نقش اقتصادی زنان تأکید بیشتری دارند، غالباً دارای يك استراتژی واحد می‌باشند، چرا که آنها این واقعیت را که زنان فقیر فاقد دستری لازم به زمین، اعتبار و آموزش می‌باشند را بخوبی درک کرده‌اند.

آنها همچنین مهارتهای رهبری و سازمان یابی را در میان زنان تقویت کرده و آنها را قادر می‌سازند که در این مهارتها با مردان برابر شوند. اصولاً سازمانهای زنان که ابتدا کار خود را به عنوان اتحادیه‌های خیریه در سطوح بالایی و میانی آغاز کرده‌اند می‌روند تا اشتباه

NGO ها را تکرار کرده و در پروژه‌هایشان ترو نسبی از زنان را به عنوان مادر و همسر منعکس نمایند.⁶

زنان که در فعالیتهای تبعیض‌آمیز جنسی از میدان خراج شده‌اند، غالباً توسط مؤسسات خیریه و داوطلبانه جذب می‌کردند که در واقع این مؤسسات عرضه‌کننده فعالیتهای نسبی می‌باشند که قادر به آموزش آنها هستند. لذا پروژه‌هایی در آمد زای آنها بطور اخص به فعالیتهای حاشیه‌ای، با سود کم و مصرفی منجر می‌شود چرا که اساس این فعالیتها بر مهارتهای بنیان ناده شده که افراد داوطلب توانایی آموزش آنها را دارند نهذ برامکان فروش محصولات در بازار از سوی دیگر این پروژه‌ها دارای اثرات بخشی اندکی است و تنها برای عده قلیلی از زنان قابل دسترسی می‌باشد.

بنابراین بکارگیری يك چهار جوب بخشی برای تجزیه و تحلیل کار زنان ممکن است راهی را جهت پرکردن این خلاء میان نقش اقتصادی که در حال حاضر نسبتاً شناخته شده است و برنامه‌های اقتصادی کلان که همچنان بر پایه نظر مردان توسط دولتها انجام می‌شود باز نماید.

بطور خلاصه در جایی که دولتها مشتاق و یا قادر به تهیه خدمات مورد نیاز نمی‌باشند سازمانهای خصوصی NGO تلاش می‌کنند تا نیازهای اساسی جامعه و نیازهای اقتصادی را رفع کنند. در این میان سازمانهای غیر دولتی زنان نیز به دلیل عدم رغبت دولتها در سرمایه گذاری در امور خاص زنان در کشورهای جهان سوم⁷ گسترش یافتند تا بدین ترتیب با انسجام زنان در اتحادیه‌های خاص مسایل مبتلا به آنان را مورد بررسی قرار داده و با طراحی پروژه‌های خاص اثرات منفی طرحهای توسعه را بر زنان کاهش داده و کیفیت زندگی و اشتغال آنان را بهبود بخشند.

این عدم رغبت از اینجا ناشی می‌شود که براساس نظر محققان سرمایه‌گذاریها جهت بهبود وضعیت زنان فقیر در جهان سوم الزاماً سبب کاهش میزان هزینه لازم جهت سرمایه‌گذاری در امور مربوط به مردان نمی‌گردد.

⁶-Yadelman sally w.the intergeration of women in to development Projects : Observations on the NGO Experience in genral and in latin america in partacular. In:world develop ment vol. 18. Supplemnt PP.179-187,1987.

⁷ - Buvinc,marya, " Projects for women in the third orld , Explaining their misbehavior " world development vd.14.No,5. 1986.

بالاخره در توجه به گزینه‌ها، فهم اینکه چگونه يك پروژه توسعه بخش ممکن است تأثیر منفی بر زنان داشته باشد ضروری است. برای مثال معرفی تکنولوژی‌ها یا خدماتی که زنان را از درآمدی که قبلاً آنها بر آنها کنترل داشته‌اند محروم می‌سازد و یا ارائه طرحهایی که بر بار کاری روزانه زنان می‌افزاید از جمله این اثرات می‌تواند باشد. بنابراین (NGO) نیاز به درک بهتر تقسیم کار جنسیتی و فهم ارتباط متقابل میان فعالیتهای خانگی و تولیدی و نقشی که زنان در مدیریت منابع طبیعی بازی می‌کنند دارد. این امر يك اقدام اساسی برای طراحی پروژه‌ها است.

سیاست ملی زنان روستایی جمهوری اسلامی ایران:

ارائه تصویری از جایگاه کنونی زنان در توسعه روستایی و موقعیت فعلی آنها به لحاظ نقش آنها در فعالیتهای اقتصادی و دیگر فعالیتهای و در نهایت محدودیت‌ها و پایداری لازم جهت ارتقای نقش زنان روستایی در فرآیند تحول روستایی و یافتن راهکارهایی جهت رفع موانع اشتغال زنان روستایی و پیشگیری از نیروی آنان در توسعه از اهداف کلی؟ به شمار می‌آید. در حال حاضر نکته مهمی که مورد نظر و پذیرش سازمان ملل می‌باشد و در آمار و ارقام جهانی نیز مطرح است نقش مهم زنان روستایی در فعالیتهای روزمره و آینده روستاست و این در حالی است که متأسفانه با وجود نقش مهم آنان از لحاظ میزان بهره‌مندی از امکانات از جایگاه مناسبی برخوردار نیستند طبق گزارش سازمان ملل با این که زنان (شهری و روستایی) در جامعه بشری 50 درصد از جمعیت را می‌پوشانند و در عمل 2/3 از فعالیتهای روزمره را به عهده دارند لیکن فقط يك دهم از درآمد جهانی به آنها اختصاص دارد و از این دردناک‌تر این که کمتر از 1 درصد از دارایی جهانی به آنها اختصاص دارد. در سالهای پس از انقلاب جمهوری اسلامی در ایران با توجه به تأکید تعالیم مقدس اسلامی بر وضعیت جایگاه زن و نیز عنایت خاص مؤلآن کشور به این امر، توجه عاطفی و معنوی به کرامت زنان، از جمله زنان روستایی شده است براین اساس ضمن آنکه ارتقای منزلت اجتماعی و احقاق حقوق از دست رفته آنان سرعت بیشتری یافته است در مدت زمان کوتاهی بسیاری از تبعیضهای موجود در بین قشر زنان و مردان نیز رفع یا کمرنگ شده است. بویژه در دو برنامه پنج ساله اول و دوم. ضمن توجه خاص به اصلاح آماری در خصوص نقش زنان در توسعه، پروژه‌های متعددی هم در این زمینه طراحی و اجرا غیر دولتی در بخش

زنان بر این اساس است که جایگاه ویژه زنان روستایی در روند توسعه در مدت زمان کوتاهی مشخص شود به همین منظور اهداف و سیاستهای کلی زیر جهت هماهنگی و پیشبرد سریع فعالیتها طراحی شده است.⁸

⁸ -سلسلت ملی زنان روستایی جمهوری اسلامی ایران عیناً از سند نقل شده است.

هدف 1:

حفظ کیان خانواده:

نایاب‌داری بنیان خانواده در بعضی از کشورها، نشانگر فقدان روابط و احوال صحیح تربیتی است. عملی نمودن اندیشه حفظ کیان خانواده با هدف تربیت اسلامی، یکی از مهمترین اقدامها جهت ایجاد کانونهای خانوادگی مطمئن در مسیر ایجاد آرامش برای آحاد ملت و تربیت نسلی سازنده می‌باشد. بر این اساس سیاستهای زیر در اجرای هدف مذکور تنظیم شده است.

سیاستها:

- 1- ایجاد تمهیدات قانونی جهت دفاع از حقوق همسری و مادری زنان در خانواده.
- 2- آگاهسازی جامعه نسبت به رسم و رسومهای سنتی مقایر با اسلام در خصوص زنان روستایی.
- 3- آگاهسازی جامعه جهت مسئولیت اصلی زن به عنوان همسر و مادر خانواده.
- 4- آشنا ساختن زنان و مردان نسبت به حقوق و وظایف خود در خانواده و جامعه.
- 5- آماده ساختن زمینه جلوگیری از خشونت و تعدی علیه زن روستایی.
- 6- فراهم آوردن زمینه مشارکت زنان در تصمیم‌گیریهای خانواده.
- 7- تلاش جهت تقسیم مضافانه وظایف خانگی بین اعضای خانواده‌های روستایی.
- 8- حمایت از زنان روستایی بی‌سرپرست، سرپرست خانواده و بدسرپرست.

هدف 2:

کاهش فقر و تأمین عدالت اجتماعی:

به دلایلی بافت خاص موجود در روستاها، اکثر روستاییان جز قشر عظیم فقرای جهان محسوب می‌شوند. عدم استفاده اصولی از محیط زیست، منابع طبیعی کشاورزی سنتی و دلایل متعدد دیگر سبب فقر همه جانبه خصوصاً فقر فرهنگی و اجتماعی در روستاها شده است که متأسفانه قربانیان عمده آنان زنان هستند تلاش جهت کاهش برخی از شاخصهای فقر از جمله توزیع درآمد، بیگانگی شغلی و آموزشی، کمبود مشارکت، آسیب‌پذیری، عدم دسترسی به منابع تولید، عدم امنیت و کمبود داراییها، ضروری است و از سوی دیگر با وجود نقش اساسی و پر اهمیت زنان روستایی در تولید و افزایش درآمد خانواده و جامعه، با

از بین بردن تبعیض در آموزش و اشتغال آنان می‌توان نقش مؤثری در توزیع و کنترل درآمد حاصله توسط خودشان و در نتیجه رفع و تأمین عدالت اجتماعی ایفاء نمود.

سیاستها:

- 1- تأکید بر شناسایی نقشهای گسترده زنان روستایی در بخش کشاورزی و صنایع دستی و ایجاد راهکارهای مناسب جهت حضور آن در بخشهای ذیربط.
- 2- ورود زنان به عرصه‌های فعالیت در کلیه بخشها، بر اساس نقشهای اقتصادی آنان.
- 3- ایجاد زمینه برای اشتغال مناسب با منزلت و ویژگیهای زنان و توسعه الگوهای اشتغال بر درآمد خانگی.
- 4- ایجاد اشتغال و حمایت از زنان سرپرست خانوار، بی‌سرپرست و بدسرپرست.
- 5- دسترسی منصفانه به منابع تولید، اعتبارات و تسهیلات بانکی، فرصت، اطلاعات و بهره‌مندی عادلانه از منابع توسعه.
- 6- اصلاحات لازم مالی، نظارتی، مقرراتی جهت تأمین بهتر نیازهای اعتباری زنان روستایی.
- 7- تضمین پرداخت دستمزد برابر در مقابل کار برابر.
- 8- فراهم آوردن نیازهای اولیه زندگی چون امنیت غذایی، سرپناه مناسب، خدمات حمایتی، احداث تأسیسات خدماتی و...
- 9- بهبود استانداردهای زندگی خانواده‌های روستایی از طریق گسترش برنامه‌های ترویج خانهداری.
- 10- طراحی و به کارگیری فن‌آوری‌های مناسب برای فعالیتهای زنان روستایی جهت افزایش بهره‌وری و کاهش بار کاری آنان.
- 11- کمک به ایجاد مشکلهای اقتصادی با مدیریت زنان روستایی به منظور دستیابی زنان به درآمد ناشی از تولید.

هدف3:

رشد سواد آموزی و گسترش تسهیلات آموزشی:

طبق اصل 30 قانون اساسی سواد بديهی‌ترین حقوق افراد جامعه بشر از جمله زنان روستایی است. گسترش سواد آموزی و ریشه کنی بی‌سوادی و ایجاد تمهیدات لازم جهت رسمی و غیر رسمی و ارتقای مهارت فنی از مهمترین اهداف سیاست کار برای زنان روستایی است.

سیاستها:

- 1- محو بیسوادی و فراهم آوردن امکان استفاده از فرصتهای بابر سوادآموزی و ادامه تحصیل زنان و دختران روستایی.
 - 2- افزایش و گسترش تسهیلات آموزش رسمی و غسیر رسمی زنان و دختران روستایی.
 - 3- توسعه آموزشهای فنی - حرفه‌ای و ایجاد تمهیدات لازم جهت ورود دختران و زنان روستایی در محدوده‌های مورد نیاز.
 - 4- تلاش جهت ایجاد و توسعه رشته‌های کاربردی و متناسب با نیازهای زنان و دختران روستایی در آموزش عالی.
 - 5- تأکید بر تربیت آموزشگران خاص برنامه‌های آموزشی - ترویجی و توسعه روشهای آموزشی و متون یادگیری متناسب با شرایط زندگی روستایی.
 - 6- اولویت بخشیدن به سواد آموزی دختران لازم‌التعلیم.
- هدف 4:

تأمین نیازهای بهداشتی:

یکی از مهمترین ارکان توسعه در هر جامعه‌ای حفظ سلامت افراد و برآوردن حداقل نیازهای اولیه از طریق گسترش اصول بهداشتی در میان اقشار گوناگون می‌باشد. زنان روستایی به دلایل شرایط جسمانی خاص ساعات زیاد، استراحت کم، تنوع کاری در مشاغل سخت چون کشاورزی، دامداری و قالی بافی در معرض صدمات فراوانی هستند به منظور تحقق این هدف سیاستهای زیر تنظیم شده است.

سیاستها:

- 1- ایجاد امکانات لازم برای کاهش مرگ و میر، بیماری، معلولیت زنان ناشی از حاملگی و زایمان.
- 2- ایجاد امکانات لازم جهت ازدواج دختران روستایی در سنین مناسب.

- 3- فراهم آوردن امکانات لازم جهت جلوگیری از بارداریهای پرخطر (مکرر. سنین زیر 18 سال و بالای 35 سال و بافاصله کمتر از 2 سال).
- 4- ایجاد امکانات لازم برای انجام زایمان ایمن، پیشگیری از بیماریها زنان و سرطانهای شایع.
- 5- فراهم آوردن امکانات ارتقای سلامت دختر بچه‌ها و زنان با اجرای برنامه‌های تغذیه مناسب و پیشگیری از بیماریها.
- 6- تضمین و ایجاد محیط کاری بهداشتی برای زنان.
- 7- عدم بکارگیری زنان و دختران در مشاغل سخت و زیان آور.
- 8- تأمین سلامت دختران نوجوان روستایی با آگاهی آنان و مادران از مسایل مربوط به بهداشت دوران بلوغ.
- 9- تأمین آب آشامیدنی سالم و بهسازی اساسی محیط زیست برای کلیه روستاهای کشور جهت ارتقای بهداشت زنان و خانواده‌ها.
- 10- جلب مشارکت مردان جامعه در اجرای فعالیتهای بهداشتی باروری.

هدف 5:

ارتقای منزلت زنان روستایی:

هدف از اجرای سیاستی زیر، ارتقای منزلت زنان ارزش زن به عنوان نیمی از جامعه اسلامی می‌باشد.

سیاستها:

- 1- گسترش مطالعات و تحقیقات پیرامون نقشهای وزین زنان روستایی و تعیین جایگاه آنان در جامعه.
- 2- ارتقای آگاهیهای عمومی در خصوص شخصیت زنان و تأکید بر اصلاح باورهای نادرست نسبت به زن روستایی از طریق رسانه‌های گروهی.
- 3- ارتقای روحیه باروری زنان روستایی و ترغیب آنان به مشارکت در فرآیند تصمیم‌گیری.
- 4- فراهم آوردن زمینه مشارکت سیاسی و حضور زنان در عرصه‌های سیاستگذاری برای زنان روستایی.
- 5- زمینه تضمین شرکت فعال زنان روستایی در تصمیم‌گیریهای سیاسی - اجتماعی روستایی.

6- فراهم آوردن تهمیدات لازم جهت واگذاری کار زنان روستایی به خودشان.

7- حمایت از گسترش سازمانهای غیر دولتی زنان.

فهرست منابع مأخذ فارسی:

- 1- ازکیا، مصطفی «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناس توسعه روستایی: تهران - انتشارات اطلاعات 1364.
- 2- امین زاده، فرخ، جمعیت‌شناسی کار، جلد دوم، انتشارات دانشگاه ملی ایران ایران - 1358.
- 3- انصاف پور غلامرضا حقوق و مقام زن از آغاز تا اسلام.
- 4- بازن، مارس، کریستیان برمبرژه، گیلان و آذربایجان شرقی.
- 5- بازن، مارسل، ترجمه دکتر مظفر امین فرشچیان، جلد اول، انتشارات قدس رضوی. 1379.
- 6- بدیعی، ربیع، جغرافیای مفصل ایران، انتشارات اقبال، تهران 1372.
- 7- برداران، مسعود بررسی حیطه فعالیت‌های زنان روستایی و تعیین نیازهای آموزش آنان در قالب ترویج‌خانه‌داری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس، 1369.
- 8- برنامه و توسعه، سازمان برنامه و بودجه شماره «3» دوره دوم، 1371.
- 9- تاکتاک، سابرا، «اقتصاد توسعه» ترجمه دکتر زهرا افشاری، جهاد دانشگاهی 1379.
- 10- تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرهادی، جلد اول، وزارت برنامه و بودجه 1364.
- 11- جارالهی، فدرا. تاریخچه اشتغال زنان در ایران، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره 3 و 4 بهار 1372.
- 12- جولی، ریچارد «اشتغال در جهان سوم» مسائل و استراتژی، مترجم احمد خزاعی، انتشارات وزارت برنامه «بودجه» چاپ اول، تهران 1378.
- 13- جهادسازندگی، جایگاه نیروی انسانی در اقتصاد کشاورزی ایران - معاونت طرح و برنامه دفتر مطالعات اقتصادی 1379.
- 14- جهاد سازندگی، رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی، سلسله انتشارات روشستا و توسعه: شماره 46 تاریخ 1370.
- 15- جهاد روستا، نقش زنان در توسعه و احیای منابع طبیعی شماره 33 سال 1380.
- 16- خانی، فضیله «زنان در کانون توسعه جهان سوم» ارائه شده در دومین سمینار زن و توسعه، دانشگاه الزهرا (س) آذرماه 1372.
- 17- خانی فضیله «جغرافیای جنسیت» نگرشی بر جایگاه زن در جغرافیا، در نهمین کنگره جغرافیدانان ایران. تبریز 1373.

- 18- دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی استان گیلان، معاونت امور بهداشتی - شبکه بهداشت و درمان شهرستان تالش 1383.
- 19- دفتر امور زنان ریاست جمهوری و صندوق کودکان سازمان ملل (یونیسف) نقش زنان در توسعه، انتشارات روشنگران، 1372.
- 20- رابینو ه. ل. ولایات دارالمرز ایران - گیلان - ترجمه جعفر خمایی زاده - انتشارات طاعی 1366.
- 21- راوندی، مرتضی « تاریخ اجتماعی ایران » جلد سوم، 1370.
- 22- رهنمایی، محمدتقی. توانهای محیطی ایران، انتشارات رودکی.
- 23- زنجانی زاده، هما. جنبش اجتماعی زنان، انتشارات روشنگران 1372.
- 24- سنبله، نشریه اشتغال زنان روستایی ایران، شماره 107، 1378.
- 25- سازمان برنامه و بودجه، « برنامه و توسعه » شماره 3 دوره دوم 1371.
- 26- سازمان برنامه و بودجه در کاربرد شاخصهای اجتماعی - اقتصادی در برنامه ریزی توسعه. مترجم - دکتر هرمز شهدادی، 1377.
- 27- سازمان برنامه و بودجه « زنان در کشورهای در حال توسعه، قربانیان نامرئی بحران اقتصادی « بی تا.
- 28- سازمان آب منطقه‌ای گیلان، سالنامه هواشناسی وزارت نیرو.
- 29- سازمان جهانی خواربار و کشاورزی (فائو) نقش زنان در توسعه کشاورزی و جایگاه تصمیم‌گیری، مجله جهاد، شماره 155 و 156، سال دوازدهم، مرداد و شهریور 1371.
- 30- سازمان فائو « نقش زنان در توسعه کشاورزی » ترجمه غلامحسین صالح نسب، مجله جهاد شماره 153. 1371.
- 31- سعیدی، عباس، نقش پنهان زنان در توسعه روستایی، دومین سمینار زن و توسعه، دانشگاه الزهرا (س)، 1372.
- 32- شکوری، چنگیز. سیری در کوچ نشینان تالش، انتشارات آذر خزر 1382.
- 33- طالش اندوست، فرشته. سیمای اقتصادی - اجتماعی شهرستان تالش معاونت هماهنگی و برنامه‌ریزی سازمان برنامه و بودجه 1377.
- 34- اصلاح عربانی، ابراهیم، « طلعه کتاب گیلان » گروه پژوهشگران ایران - 1377.
- 35- عظیمی دو بخسری « روند شهرنشینی در گیلان » پایان‌نامه فوق لیسانس، به راهنمایی دکتر شاپور گودرزی نژاد، دانشگاه تهران.

- 36- گروه بررسی نقش زنان روستایی، وزارت کشاورزی، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، 1380.
- 37- مرکز تحقیقات روستایی و اقتصادی کشاورزی وزارت کشاورزی - نقش اجتماعی و اقتصادی.
- 38- مرکز آمار ایران. فرهنگ آبادیهای کشور - استان گیلان - 1365.
- 39- مرکز آمار ایران. فرهنگ آبادیهای کشور - استان گیلان. 1375.
- 40- مرکز آمار ایران. نتایج تفصیلی مشارکت زنان در نیروی کار 1365-1375.
- 41- مرکز آمار ایران. آمارنامه استان گیلان، سال 1380.
- 42- مرکز آمار ایران. سرشماری نفوس و مسکن، سال 1365-1375.
- 43- مرکز آمار ایران. سالنامه آماری استان گیلان سال 1381.
- 44- منوری، سید مسعود. تالاب انزلی. نشر گیلکان 1369.
- 45- مرادی، آزاده، مقاله اشتغالزایی زنان روستایی در زمینه صنایع تبدیلی، هوس، نشریه آموزشی ترویجی جهاد کشاورزی، ویژه مروجان زن روستایی، شماره 42-43. 1383
- 46- مشیری، رحیم.
- 47- معروفی، پروین، دانش امروز زنان روستایی، نشر آموزش کشاورزی، دفتر ترویج فعالیتهای زنان روستایی، جلد 2، 1378.
- 48- نادری، ابوالقاسم، «صنعت روستایی و توسعه اقتصادی» در مجله زمینه، سال سوم، شماره 23، خرداد 72.